

کارنامه امام زمان

(بخش اول)

مؤلف:

محمد باقر سجودی

فهرست مطالب

ش	موضوع	صفحه
1	سخني از ناشر	3
2	گفتار 1: فرق مهدی ما و مهدی شیعه	8
3	گفتار 2: آیا امام زمان دین جدیدی میاورد	13
4	گفتار 3: این مردم مبهم	20
5	گفتار 4: عقیده به رجعت	26
6	گفتار 5: مجازات مرده دلیلی است بر عدم ایمان آنها به آخرت	38
7	گفتار 6: اعتقاد به مهدی شیعه، شرک است	42
8	گفتار 7: اگر شب را بگویند: روز، مردم قبول می کنند	47
9	گفتار 8: این همه هیا هو برای هیچ	50
10	گفتار 9: داستان امام زمان ساخته و پرداخته کیست	56
11	گفتار 10: لقمه را دور سر گرداندن	58
12	گفتار 11: من آنم که رستم یلی بود در سیستان	63
13	گفتار 12: آیا موعود شیعه همان مهدی موعود یهود است	67
14	گفتار 13: نشانه‌ای ظهور را از کتاب‌های ما گرفته اند	70
15	گفتار 14: می گویند: ظهور مهدی خیلی نزدیک است؟!!	72

سخنی از ناشر

حمد و ثنا قیومی را که عقول بنی آدم از ادراک کنه ذات بیچون او عاجز است و آیات صنعش در ایجاد عالم ظاهر است، و شکر و سپاس آن قدیمی را که بر وحدت ازلیت او در آثار قدرت و تکوین مکونات عالم دلیلهای و برهانهاست، آن خالقی که به یک امر «کن» نور و ظلمت را در ترتیب ترکیب روح انسانی ازدواج پذیرانید، و ابناء آدم را به خلعت کرامت (وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ) مشرف گردانید، و کمال ایشان را در معرفت ربوبیت و وحدانیت خود - جلت عظمته و علت کلمته - پیوست و توفیق بوجه کمال رفیق طایفه‌ای گردانید که مستعدان حال و طالبان اقبال بودند، و از برای ارشاد فرزندان انسان انبیاء مرسل فرستاد تا نور حق از ظلمت باطل و نفس از زنگ شبهه و کدورت شرک بزدودند، و سرور ایشان در رسالت و خاتم ایشان در نبوت سید المرسلین و امام المتقین ابو القاسم محمد بن عبدالله - صلوات الله وسلامه علیه - از برای زیور نبوت و تاج رسالت از میان خلق برگزید....

از دم صبح ازل تا بقیام بر سر و پای دلارای محمد
عرصات صلوات

شکند تیغ زبانم همدم شاخ باد بر قامت رعناى محمد
نیات صلوات

فرض عینست می‌بگویم تا دمبدم بر گل رخسار
مات محمد صلوات

از قدیم گفته‌اند: سنگ اول را چون نهد معمار کج.. تا
ثریا رود دیوار کج!

مخترعان مذهب شیعه، خیمه مذهب را بر روی عمود امامت بنا نهادند. و مفکوره‌ی آنها بر این بود که امامت پس از حضرت علی بصورت عمودی به فرزندش حسن، و پس از او بصورت افقی به برادرش حسین، و از آن پس سیر عمودی تا بروز قیامت خواهد داشت.

این ماجرا با جذر و مدهای بسیار عجیبی که در پی آن پس از هر امامی مذهب شیعه به دهها فرقه تقسیم می‌گشت به پیش رفت. تا اینکه با فاجعه‌ی مرگ امام حسن عسکری امام یازدهم قطار به یکباره ایستاد! امام حسن عسکری در سال 260 هجری در سامرا بدون اینکه صاحب فرزندی شود وفات کردند. میراثش نیز بین مادرش «حدیث» و برادرش «جعفر» تقسیم شد. این مرحله در تاریخ تشیع بمرحله‌ی حیرانی مشهور است. شیعه حیران و پریشان که چه کنیم، بحال خود مانده بودند.

این پریشانی باعث شد 14 مذهب جدید به لیست مذهبهای تشیع اضافه شود. برخی به بن بست رسیدن امامت راضی شدند. برخی مرگ حسن عسکری را انکار کرده او را مهدی نامیده غائب کردند. برخی مرگش را که بچشمان خود دیده بودند انکار نکرده گفتند: دوباره زنده شده، و از دید مردم پنهان شده است. و...

آخرین گروه که همان دوازده امامیها باشند با استدلالهای بسیار عجیبی که؛ دنیا تا روز قیامت بر گرد امامی باید بگردد، برای حسن عسکری فرزندی خیالی زائیده او را محمد نام گذاشتند، که بعدها شناسنامه‌اش را عوض کرده نام «مهدی» را برایش زینده‌تر دیدند، و این موجود خیالی را که وجود خارجی نداشت از دید مردم پنهان تصور کرده، امام غائب نامیدند.

این امامی که از رحم فلسفه بدنیا آمد در طول تاریخ تشیع حکم یک تریاک مسکن و افیون را بازی کرده و می‌کند.

هر جا آخوندها خواستند مال و منال و آبروی مردم را به چپاول برند با سرپوش «مهدی» دزدیهای خودشان را می‌پوشانند. خود را نائبان بر حق مهدی خیالی جای زده از مردم ساده «خمس» - یک پنجم - دست رنجشان را به تاراج می‌برند. دخترهای زیبایشان را طعمه شهوترانی خود قرار داده صیغه می‌کنند. هر جا کارشان گره خورد؛

دروغ و مکر و نیرنگ را «تقیه» نامیده کارشان را راه می‌اندازند.

نام «مهدی» را بعنوان مسکنی برای خاموش کردن آتش خشم و غضب و سرپوش نهادن بر عقل و چشم و گوش مردم بنفع خود بکار می‌گیرند.

برای همین، «مهدی» در پیش آنها همیشه زنده است. در کنار قبرهایشان، در چاه جمکران، و در برنامه‌های روضه خوانی، و در دوشیدن مال از مردم، و در جلسه‌های شهوترانیشان و...

همچنین وقتی آخوندها حکومت را بدست می‌گیرند، و یا با حاکمان چپاولگر و فرعونیان ظالم کاخ نشین و هم کاسه می‌شوند، نام مهدی سرپوشی خواهد بود بر ظلم و ستم و چپاول و دزدی حکومتها.

چهره‌ی ننگ ایران امروز تصویری زنده است از آنچه تاریخ بارها در حکومتهای صفویان و فاطمیان و آل بویه و غیره شاهد آن بوده است.

کسانی که خود را سربازان امام زمان - که نام دیگری است برای مهدی و اشاره‌ایست به خدایی او، و اینکه کنترل زمین و زمان بدست اوست! - به زن و دختر مردم تجاوز می‌کنند، ملیاردها دلار پول نفت و ثروت ملی کشور را در بانکهای خارجی برای خود انبار می‌کنند. فقر و بیکاری و فساد و فحشا را برای مردم به ارمغان می‌آورند، و... و نهایتاً با مسکن اینکه؛ ای مردم حرفی نزنید که امام مهدی خودش سکان این کشور را دست گرفته و ناخدای میهن است. و رهبر نائب اوست و همیشه با او در تماس است و بدون دستور او کوچکترین حرکتی نمی‌کند... بر گردن مردم سوار می‌شوند.

مردم ساده لوح نیز چون گوسفندان در پی این مأموران مهدی ناپیدای خاموش در حرکتند و از ترس اینکه مبدا کوچکترین اعتراضی آنها را به دره کفر و الحاد پرت کند و از رحمت بیدریغ و خیالی مهدی افسانه‌ای محروم بمانند و مورد عقاب سخت و بی مهری شدید دولت قرار گیرند جیک هم نمی‌زنند!!..

یک نگاه گذرا در روند رشد نام «مهدی» در ایران خود شاهد گواهی است برای عاقلان.

مهدی که تنها یک نام و امید بود، در طول جنگ ایران و عراق هشت سال تمام شیعیان ایرانی و عراقی را بجان هم انداخت. اینها در اینطرف مرز بدستور مهدی و زیر فرمان او حرکت می‌کردند و آنها در آنطرف مرز و 4 میلیون شیعه نادان قربانیان شعار «مهدی بیا.. مهدی بیا» شدند!

پس از جنگ مدتی مهدی کم رنگتر شد. و با آمدن حکومت احمدی نژاد بصورت بسیار جدی تری وارد صحنه سیاست شد. کشت و خورد و برد و کرد و کسی هم چیزی نگفت! و هنوز هم ماجرا در جریان است... از قدیم گفته‌اند: تا نباشد چیزکی مردم نگویند چیزها!..

پس این مهدی و این افسانه از کجا سبز شد؟ آیا دین مبین اسلام کسی بنام «مهدی» را می‌شناسد. حقیقت این شخص چیست؟ و او کیست؟ پرسشی است که در ذهن هر انسانی می‌تواند سبز شود.

این کتاب با زبانی بسیار ساده چهره‌ی مهدی افسانه‌ای را برای خواننده بر ملا می‌کند. و تصویری گویا از حقیقت مهدی واقعی نیز عرضه می‌دارد.

نویسنده نمی‌خواهد ایده و باور خود را به مردم تلقین کند. او از خانواده‌ای شیعه برخواسته، مهار خود را از دست آخوند جماعت گرفته بدست عقل خود داده، و با عقل و درایت به اسلام واقعی پی برده، و در این کتاب سعی دارد با عقل و هوش خواننده سخن گوید. و به او بگوید؛ بیندیش، فکر کن، تدبر کن، با دقت توجه کن، بنگر، حقیقت را درخواهی یافت...

بیائید با نویسنده همگام شویم، تا مهدی واقعی را از مهدی تقلبی و ساختگی بشناسیم...⁽¹⁾.

ناشر

(1) برای شناخت بیشتر تاریخچه مهدی در مذهب شیعه، خوانندگان محترم را به خواندن بخش "فرضیه‌ی وجود مهدی" در کتاب (تکامل فکر سیاسی شیعه از شورا تا ولایت فقیه) نوشته؛ دانشمند و پژوهشگر شیعه معاصر احمد الکاتب تشویق می‌کنیم. آدرس کتاب روی اینترنت:

http://www.aqeedeh.com/ebook/view_book.php?rowID=326

<http://alkatib.co.uk/f1f1.htm>

خواننده عزیز، برای معلومات بیشتر در باره امام زمان شیعه، به کتابهای ذیل مراجعه کنید:

1- بررسی علمی در احادیث مهدی، نوشته‌ای آیت الله ابوالفضل برقعی

http://www.aqeedeh.com/ebook/view_book.php?rowID=319

2- آمدن مهدی افسانه است، نوشته‌ای دکتر محمد جودت الیوسف

http://www.aqeedeh.com/ebook/view_book.php?rowID=472

3- مهدی موعود یا مهدی موهوم؟ نوشته‌ای عبدالرحیم ملازاده (ابوالمنتصر)

http://www.aqeedeh.com/ebook/view_book.php?rowID=414

4- عجیب‌ترین دروغ تاریخ، نوشته‌ای دکتر عثمان الخمیس

http://www.aqeedeh.com/ebook/view_book.php?rowID=559

5- غایب همیشه غایب، نوشته‌ای علی حسین امیری

http://www.aqeedeh.com/ebook/view_book.php?rowID=706

گفتار 1

فرق مهدی ما و مهدی شیعه

ما اهل سنت به ظهور حضرت مهدی در آخر زمان عقیده داریم منتهی از بس که شیعه‌ها حقیقت مهدی را خراب و لگدمال کرده‌اند که هر وقت یادی از مهدی خود می‌کنیم؛ ناچار می‌شویم که فوراً فرق بین مهدی ما و مهدی آنها را نیز بیان کنیم.

زیرا شنونده‌های شیعه و حتی سنی، ممکن است به اشتباه بیافتند و مهدی اصلی را از مهدی بدل تشخیص ندهند.

خلاصه فرق این است که تفاوت بین (مهدی ما و مهدی شیعه) از زمین تا آسمان است، آندو فقط تشابه اسمی دارند و بس.

مهدی ما مرد پاکی است که عملکردی پاک دارد و مهدی اونها (بفرض خیالی نبودن) از خاندان پاکی است اما به کارهای بسیار زشت و ناپسندی دست می‌زند.

علمای شیعه در دفاع از عقیده خود در باره امام زمان می‌گویند: اگر ما منتظر مهدی موعود هستیم این عجیب نیست، تمام اقوام دنیا منتظر نجات دهنده‌ای هستند حتی شما سنی‌ها هم منتظر مهدی هستید!

این یک دفاع نیست بلکه یک حيله است. مثل این است که مسیحی‌ها بگویند: اگر ما عیسی را قبول داریم حیرتی ندارد خب شما سنی‌ها هم قبولش دارید! بله، قبول داریم، اما بین قبول داشتن ما و شما تفاوت از زمین تا آسمان است.

ما بعنوان بنده قبولش داریم.

و شما او را اله می‌دانید!

این خود یک مکر آشکار است که شیعه می‌گوید: «اگر ما باور به مهدی داریم شما سنی‌ها نیز دارید».

اگر شما مسیح و مهدی ما را قبول داشته باشید که دیگر دعوا تمام است.

شما از مهدی و مسیح اله درست کرده‌اید، فرق اصلی در این است.

اما علمای شیعه خود را به کری می‌زنند و برای فریب پیروان خود همیشه می‌گویند: سنی‌ها نیز به مهدی معتقدند!!

حالا برای هدایت شیعه‌های ساده لوح، ما مهدی سنی‌ها را کمی معرفی، و جایگاه او را در بین امت سنی مشخص می‌کنیم.

پیش از هر سخن باید بدانید که یکی خصوصیات جناب رسول الله ص پیشگویی‌های ایشان درباره آینده بوده است! از فتح مکه تا شکست فارس از روم، تا جنگ داخلی بین اصحاب و تا شهید شدن حسین تا پیدا شدن آیفون و اینترنت و تا خراب شدن کعبه بدست مردی سیاه پوست و تعطیل حج و صدها پیشگویی دیگر که بتدریج یا تحقق یافته‌اند و یا از مادر زمان هنوز زاییده نشده‌اند

اما پیشگویی‌های پیامبر در حاضر ما تاثیر نگذاشته، مثلا مسلمانها از حج و کعبه به خاطر آمدن آن مرد سیاه دست بر می‌دارند! یعنی در روال عادی ما تاثیری ندارد.

در باره خلافت راشده هم پیامبر ص پیشگویی‌های دارند. از جمله اینکه بعد از وفات ایشان خلفای راشدین می‌آیند که بر روش پیامبر حکومت می‌کنند و مدت آن 30 سال است. و دیدیم همینطور شد و 4 خلیفه راشد 30 سال حکومت کردند و باز فرمودند که در آخر زمان هم خلفای راشدین می‌آیند که یکی از آنها مهدی است! و مدت محدودی حکومت می‌کند، و یعنی کارش مثل کار حضرت عمر است. اگر بخواهد مقدار مهر زنان را هم از مقداری که الله تعیین کرده منحرف کند مردان به کنار که زنان جلویش می‌استند که دستور مخالف قرآن را اجازه نمی‌دهیم!

این داستان را حتماً شنیده‌اید که عمر وقتی دید مهریه‌ها سنگین و زیاد شده بر منبر بالا رفت. و برای آن حدی تعیین کرد به خیال خودش کارش درست بود زیرا

فرقه اول = سنی‌ها که قرن‌ها به این حدیث توجه نمی‌کردند تا ماشین چاپ و کامپیوتر و روزنامه و اینترنت پا به عرصه وجود می‌گذارد! و اینجا و در این وقت سنی شادمانه می‌گوید: سبحان الله، چه راست گفت رسول الله! فرموده بودند: قلم ظاهر می‌شود، کسی منظورشان را ندانست حالا دانستیم که منظورشان این وسایل جدید است، و گرنه در زمان ایشان نیز که قلم بود! قلم ظاهر بود.

اما فرقه دوم شیعه‌ها چه می‌گویند؟
اونها در پرتو این حدیث می‌گویند: این قلم در هزار و اندی سال پیش زاییده شده و از ترس شکسته شدن توسط حاکمان وقت پنهان شده و در سرداب سامراء رفته! و برای خود 4 نایب گذاشته، نایب‌ها که مردند دیگر به غیبت کبری رفته! اما مراقب ماست، و او با ماست! و باید همیشه دعای فرج بخوانیم که قلم بیا قلم بیا!
و در ادامه شیعه می‌گوید:

اما وقتی قلم بیاید!
خط باطل بر روی قرآن فعلی می‌کشد و قرآن دیگر با خط عبرانی می‌آورد آن قلم که آمد قوانین جدید می‌نویسد و به مدینه که رسید کلنگ می‌شود و مسجد مدینه را خراب می‌کند و مسجد الحرام هم از غضب این قلم کلنگی در امان نمی‌ماند، و بلکه همه مساجد کره زمین را خراب می‌کند، و نیزه می‌شود و دو سوم بشر را می‌کشد، زنده که به کنار، مرده‌ها را هم راحت نمی‌گذارد از قبر می‌آورد بیرون و نمرودوار به آتششان می‌کشد!

پس هی داد بزنید: قلم بیا، قلم بیا، مهدی بیا، مهدی بیا.

حالا در آخر کار این فرقه دوم (شیعه) به فرقه اول (سنی) می‌گوید: اگر ما منتظر قلم موعود هستیم، این عجیب نیست. شما سنی‌ها هم منتظر قلمی هستید، پس این عقیده شما هم هست!

آیا مکارانی تا این حد بی‌منطق دیده اید!

گفتار 2

آیا امام زمان دین جدیدی میاورد
 به اعتقاد شیعه‌ها امام صادق در جواب این سوال
 صریحاً گفته که بله!!
 (امام صادق را ما قبول داریم که سنی بود و آدم نیکی
 بود و هرگز این حرف‌های کفر آمیز را نگفته).
 به هر حال، امام صادق شیعه‌ها گفته، او دین جدیدی
 و کتاب جدیدی میاورد. امام صادق فرموده: وقتی قایم ما
 بیاید دین جدید و کتاب جدید میاورد! حدیث شان را
 ببینید:

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «**إذا خرج
 القائم يقوم بأمر جديد وكتاب جديد وسنة جديدة
 وقضاء جديد**».

«هنگامی که قائم خروج کند امر تازه، و کتاب تازه و
 روش تازه و داوری تازه‌ای برپا می‌دارد و رایج می‌کند»
 [إثبات الهدی، شیخ حر عاملی، ترجمه احمد جنتی،
 دارالکتب الإسلامية ج 7 ص 83].

این حرف کفر مطلق است، اعتقاد به دین جدید و کتاب
 جدید و ایمان و ستایش آورنده آن کفری است که بالا تر
 از آن کفری نیست! و شیعه به دروغ، این کفرگویی را به
 جعفر صادق رحمه الله نسبت می‌دهد!

شیعه امروزی خود می‌داند که این کفر و گمراهی
 است، لذا برای ماست مالی! می‌گوید! منظور امام صادق
 این بود که مردم آنقدر از دین دور می‌شوند که وقتی امام
 زمان شریعت را زنده می‌کند آدم‌ها تصور می‌کنند که
 ایشان دین جدیدی آورده اند. عین نوشته شیعه را
 بخوانید:

«یعنی در آن زمان اسلام را آنچنان از لابلای انبوه
 خرافات و تحریفات و تفاسیر نادرست بیرون می‌آورد که
 گویی بنایی کاملاً نو و جدید ساخته است. در مورد کتاب
 جدید، معنی آن نیست که یک کتاب آسمانی جدید بر او
 نازل می‌شود! چرا که امام قائم است و حافظ دین نه

پیامبر و آورنده کتاب جدید، بلکه قرآن را چنان از زوایای تحریفهای معنوی و تفسیرهای نادرست بیرون می‌کشد که می‌توان نام کتاب جدید بر آن نهاد.»
و بر این پرده‌پوشی و تاویل شیعیان، سه ایراد وارد است:

اول: اینکه امام صادق بصراحت از کتاب جدید سخن می‌گوید. و این یعنی اینکه قرآن هم تحریف شده و ایشان آیات جدیدی می‌آورد و این کفر است. این تعبیر با جمله صادق همخوانی ندارد زیرا کتاب قرآن تغییر نکرده. و صادق نگفته: تفسیر جدید، گفته: کتاب جدید!! را می‌خوانند.

دوم: اینکه اگر تفسیر شیعه از سخن امام صادق درست باشد، معنی این حرف این است که خود شیعه و علمای شیعه و مذهب شیعه و راه روش شیعه نیز بطور کلی خلاف راه روش امام زمان است، و تا آنجا که حتی شیعه‌های مومن نیز گمان می‌کنند مهدی دین جدیدی آورده.

فراموش نکنید که امام زمان بیاید همه را می‌کشد غیر از مومنان حقیقی را.

حالا اون مومنان حقیقی که تعالیم امام زمان را می‌بینند گمان می‌کنند کتاب جدید است!!
یعنی تا این حد از دین خود بی‌خبر بودند؟؟!! پس چرا می‌گویید: مومن؟؟!!

چنین تفسیری از روایت امام صادق این معنی را دارد که همه کتب شیعه، همه حکومت‌های شیعه، همه آیت‌الله‌های شیعه بر باطل مطلق بوده‌اند.

شیعه وقتی خواسته حرف امام صادق را تاویل کند متوجه نشده که دارد از چاهی به چاهی دیگر سقوط می‌کند!

اما ایراد سوم ما به برداشت شیعه‌ها از گفته منسوب به امام صادق این است که ایشان برای بیان منظور خود

بدترین جملات را انتخاب کردند یعنی فرمودند: قائم ما وقتی ظهور کند کتاب جدید و دین جدیدی میآورد! آیا بهتر نبود که به زبان ساده می‌فرمودند که مردم آنقدر از دین الله دور می‌شوند که وقتی امام زمان بیاید و دین حقیقی را پیاده کند مردم خیال می‌کنند که این دین جدید است!

بله، بهتر و ادبی‌تر این بود که اینطور می‌فرمودند؛ اما توطئه‌گرانی که پشت داستان امام زمان هستند نفع و سودشان در این است که امام صادق بگوید: مهدی دین جدید و کتاب جدید میآورد، آنها در کمین ملغی کردن اسلام هستند، آنها می‌خواهند با آوردن کتاب مقدس جدید بر قرآن مهر «باطل شد» را بزنند! «زهی خیال باطل».

شیعه وقتی می‌خواهد قول امام خود را توجیه و تاویل کند گاهی می‌گوید: «منظور از قرآن جدید همین قرآن است، منتهی ترتیب و سوره‌ها و آیاتش بترتیب فعلی نیست بلکه به ترتیب درست است؟».

ما سنی‌ها عقیده داریم که ترتیب آیات و سوره‌ها نیز رأی پیامبر ﷺ یا صحابه نبوده بلکه دستور الله بوده که جبریل ﷺ بر پیامبر ﷺ ابلاغ می‌کرده.

و ترتیب درست همین است که صحابه می‌خواندند تا به امروز و تا فرداهای دور و تا همیشه.

البته امام صادق شیعه‌ها واضح می‌گوید که مهدی چه نبیتی دارد. آری، مهدی می‌خواهد قرآن را ملغی کند، و کتاب جدیدی بیاورد اما گفتن و پذیرفتن این حرف بر شیعه امروزی که اقلیتی است نتایج خیلی وخیمی دارد، لذا نفع آنها در این است که بگویند قصد ما عوض کردن قرآن نیست.

اگر قصد شما این نبوده پس امام شما حرف زدن بزبان عربی را بدرستی نمی‌دانسته؟

وقتی ما دیوان حافظ را چاپ کنیم نامش دیوان حافظ است.

اگر حالا این دیوان را با ترتیب جدید چاپ کنیم مثلا غزلها را بترتیب الفبا بنویسیم اتفاق مهمی رخ نداده که نامش را کتاب جدید بگذاریم و بگوییم:

«إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ».

«هنگامی که قائم خروج کند امر تازه، و کتاب تازه و روش تازه و داوری تازه‌ای برپا می‌دارد».

یا بگوید:

«كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يَبِيعُ النَّاسُ عَلَيَّ كِتَابَ جَدِيدٍ».

«مثل اینکه امام زمان را می‌بینم که بین رکن و مقام ابراهیم ایستاده و با مردم بیعت می‌کند که به کتاب جدیدی ایمان بیاورند».

این گونه گفتن غلط است، هرگز این معنی را ندارد که ترتیب قرآن را عوض می‌کند یا احکام مرده را زنده می‌کند. پس امام زمان ترتیب سوره‌ها را عوض نمی‌کند او نقشه بزرگ و بدی در سر دارد. پس هدف چیز دیگری است.

فردا که قدرت در دست شیعه باشد و شمشیر بران او بر سر ما حرکت کند همانطور که اذان را عوض کردند و قرآن را هم عوض می‌کنند.

و هر کس که اعتراض کند با او همان کاری را می‌کنند که شاه اسماعیل صفوی با مولوی خنجی کرد.

لشکریان شاه اسماعیل وقتی شهر خنج در استان فارس را گرفتند روحانی مشهور شهر را به میدان آوردند و امیر لشکر فاتح به او دستور داد که به خلفای سه‌گانه و حضرت عایشه فحش بدهد.

و برای محکم‌کاری، دستور داد زن و دخترش را لخت مادرزاد بر سر دو خر ماده ببندند و دو خر نر را آوردند و آماده نگه داشتند که اگر مولوی فحش نداد خران را بصورت هدایت شده رها کنند بر سر زنهای بسته شده بر خران ماده.

و مولوی گفت: فحش می‌دهم و داد زد و گفت: اگر بخواهید خدا را هم فحش می‌دهم (العیاذ بالله).
 شاه اسماعیل صفوی با آنهمه بیرحمی در مقابل کشتاری که مهدی شیعه‌ها خواهد کرد، مرد مهمی بشمار نمیاید! (مهدی شیعه‌ها با مهدی ما که مرد صالحی است فرق دارد این را هرگز از یاد نبرید).
 پس اگر مهدی در وقت قدرت، قرآن جدیدی بیاورد، قرآنی که امام صادق از آمدنش خبر داد «و پیروانش امروز بیخود دارند پرده‌پوشی می‌کنند» اگر قرآن جدید آورد آیا جرأت مخالفت خواهیم داشت؟ بله، البته اگر از جان و ناموس خود سیر شویم شاید مخالفت کنیم.
 این را هم می‌دانیم عوض کردن ترتیب سور و آیات قرآن در عالم واقعیت ناممکن است. اگر ممکن می‌بود شیعه منتظر آمدن امام زمان نمی‌شد، و بر سر قرآن همان بلایی را می‌آورد که بر سر اذان و نماز و زکات و حج و روزه و غیره آورده است.
 اما در عالم خیال و رویا انسان هر کاری بخواهد می‌تواند بکند.
 و مهدی شیعه یک موجود خیالی و رویایی است با اعمالی خیالی.

علم ریاضی شاهی بر حقانیت ما و شاهی بر رد ادعای شیعه:

شیعه که گمان می‌کند ترتیب فعلی قرآن درست نیست، یا ساخته و پرداخته صحابه است، خوب است یک ماشین حساب در دست بگیرید و ببینید این دلیلی که ما می‌گوییم درست است یا نه.
 این یک دلیل ریاضی است دو به اضافه دو مساوی است با چهار. این فرمول ریاضی را نه شیعه می‌تواند رد کند نه سنی نه یهودی نه هندو نه ملحد....
 با جدال و مجادله نمی‌توان در اینجا (در مجلس ریاضی) حق را ناحق و ناحق را حق جلوه داد.

شاهد بر حقانیت ما این است:
 حتما می‌دانید قرآن 6236 آیه دارد که در 114 سوره
 جمع آوری شده‌اند.
 و این را هم بدانید که اگر اعداد 1 تا 114 (عدد
 سوره‌های قرآن) را با هم جمع کنید عدد 6555 بدست
 می‌آورید.
 حالا اگر شماره هر سوره را با تعداد آیات همان سوره
 بصورت زیر جمع کنید مشاهده خواهید کرد که تعداد
 زوج‌ها 57 عدد و فردها نیز به همان تعداد یعنی 57 عدد
 می‌باشد:

$$\text{زوج } 8 = 7 + 1 \text{ سوره حمد}$$

$$\text{زوج } 270 = 268 + 2 \text{ بقره}$$

$$\text{فرد } 203 = 200 + 3 \text{ آل عمران}$$

$$\text{زوج } 180 = 176 + 4 \text{ نساء}$$

$$\text{فرد } 125 = 120 + 5 \text{ انعام}$$

.....

$$\text{زوج } 118 = 113 + 5 \text{ سوره فلق}$$

$$\text{زوج } 120 = 114 + 6 \text{ سوره ناس}$$

اما معجزه اینست که اگر حاصل جمع‌های زوج را با هم
 جمع کنیم 6236 بدست می‌آید که مساوی است با تعداد
 کل آیه‌های قرآن.

اما معجزه دیگر اینست که اگر حاصل جمع‌های فرد را
 با هم جمع کنیم 6555 بدست می‌آید که مساوی است
 با حاصل جمع شماره سوره‌های قرآن.

یادتان باشد که این دو عدد را قبلا داشتیم:

$$\text{جمع آیه‌ها : } 6236$$

$$\text{جمع سوره‌ها: } 6555$$

توجه کنید که اگر در طول تاریخ جای سوره‌ها حتی
 جای یک سوره با هم عوض می‌شد، دیگر چنین روابطی
 وجود نمی‌داشت. یا اگر آیه‌ای را از سوره‌ای به سوره
 دیگر می‌بردند باز این نظم ریاضی نمی‌بود.

این نشان‌دهنده اینست که ترتیب سوره‌ها و آیات قرآن به همین ترتیب درست است، و امام زمان اگر آنرا عوض کند این نظم معجزه آسای ریاضی را بهم می‌زند. پس حتی اگر حدیث امام صادق در باره (کتاب جدید مهدی) را همانطور تاویل کنیم که شیعه امروزی میگوید باز علم ریاضی ثابت کرد که اینکار اشتباه است. و قبل از این، در طول تاریخ مسلمانان متفق بودند که سور قرآن و محل آیات قرآن به دستور الله در قرآن جای گرفته‌اند. و عوض کردن این ترتیب الهی کفر و انکار قرآن است، و مردود است. این مثل این است که ماه روزه را تغییر زمان دهیم و بجای رمضان در ماه رجب روزه بگیریم این کفر است.

گفتار 3

این مردم مبهم

اگر از شیعه‌ها پرسید: آیا امام زمان زن و بچه دارد؟
می‌گویند:

علمای ما سه نظر دارند!!!

عده‌ای می‌گویند: دارد.

بعضی می‌گویند: ندارد.

بعضی می‌گویند: داشته، حالا ندارد یا حالا ندارد و
ظهور که کرد عروسی می‌کند!

اما اگر شما از ما درباره زنان و فرزندان پیامبر پرسید:
با ذکر جزئیات جواب می‌دهیم!

اگر از شیعه پرسید: امام زمان بعد از قیام چند سال
حکومت می‌کند؟

بعضی می‌گویند: 7 سال، بعضی می‌گویند: 40 سال،
و بعضی می‌گویند: 19 سال، و بعضی می‌گویند: 309
سال!

اگر پرسید: چه شکلی است! آنها نمی‌توانند جواب
واضحی بگویند، بلکه پراکنده می‌گویند.

اگر بگویند: در چه سنی قیام می‌کند؟ باز چند جواب
دارند.

اگر پرسید: از کجا ظهور می‌کند باز چند طریقه را
نشان می‌دهند!

حتی اگر پرسید: به چه زبانی سخن می‌گوید؟

نیز نمی‌گویند: عربی! جوابهای چند پهلو دارند، حتی
اگر امام زمان به زبان عبری سخن گفت ما حق نداریم که
بگوییم: چرا؟ چون حدیث دارند!

اگر از شیعه پرسید: امام زمان کی ظهور می‌کند؟
می‌گویند: شاید امروز، شاید فردا، شاید 10 سال بعد
شاید 100 سال بعد، شاید هزار سال بعد و شاید و شاید
و شاید.

نشانه‌های ظهور هم مبهم است. بطوریکه قابل تطبیق
بر همه چیز است، در همین زمانه ما اگر نوشته‌های آنها

در باره نشانه‌های ظهور را بخوانید، می‌بیند که می‌گویند: عبدالله همان ملک عبدالله آل سعود است، مرد خراسانی خامنه‌ای است. رجل صالح احمدی نژاد است! یمانی فضل الله لبنانی است که اصلش از قبایل یمن است. و شیصانی صدام یا زرقاوی است، و از این چرندیات؛ پس نشانه‌ها مبهم است!

دلیل این همه ابهام در شخصیت امام زمان چیست؟؟!!
راز قضیه این است که اصلاً امام زمانی وجود ندارد این امام زمان باید ساخته شود!

از نظر عالمان شیعه، مهم این است که هر کس که (هر کس می‌خواهد باشد مهم نیست) نقش امام زمان به او واگذار می‌شود باید از عهده رسالت تاریخی ماموریت او برآید. این مهم است! این مهم نیست که زن دارد یا ندارد، عرب است یا عجم، این مهم است که مسلمان را بکشد، مساجد کمره زمین را ویران کند و اسلام را ملغی نماید و کتاب جدید بیاورد.

حالا دانستید چرا شخصیت امام زمان در پرده ابهام است، برای اینکه آنها نمی‌دانند در چه زمانی، و این برای چه کسی میسر می‌شود که قدرت بیابد! و نمی‌دانند این قدرت گیرنده چه صفاتی دارد، پس زمان و وقت و هر چیز را مجهول کردند!

نمی‌دانند آن کسی که چنین می‌کند زن و بچه دارد یا نه، پس می‌گویند امام زمان شاید بچه داشته باشد شاید نداشته باشد! و بر این قیاس بروید جلو!

آنها منتظر امام زمان نیستند، منتظر روز فرصت هستند!

خمینی در وقت مرگ در وصیت‌نامه خود نوشت: «ما مفتخریم که... صحیفه فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند متعال به زهرای مرضیه است از ما است». این مرد که بدون رسیدن به روز فرصت از جهان رفت حسرت خود را نتوانست پنهان کند؟ پس به پیروان خود گوشزد کرد که صحیفه فاطمیه آمدنی است!

بنا بر باور شیعه، صحیفه فاطمیه یک کتاب آسمانی است که بعد از وفات پیامبر بر فاطمه زهرا رضی الله عنها نازل شده، و سه برابر قرآن ما حجم دارد و حرفی از قرآن هم در آن نیست⁽¹⁾. این چیزها همه ادعای شیعه‌هاست! صحیفه فاطمیه بعد از مرگ دخت پیامبر، در اختیار علی بود و بعد در اختیار حسن و بعد حسین و آخر بدست امام زمان رسید⁽²⁾. و خمینی فخر می‌کند که

1- در اصول کافی از زبان امام جعفر صادق آمده است: «وإن عندنا لمصحف فاطمة عليها السلام. وما يدریهم ما مصحف فاطمة عليها السلام؟ قال: قلت: وما مصحف فاطمة عليها السلام؟ قال: مصحف فيه مثل قرآنكم هذا ثلاث مرات، والله ما فيه من قرآنكم حرف واحد». گفت: همانا نزد ما مصحف فاطمه³ هم هست و مردم چه می‌دانند که مصحف فاطمه چیست؟ (راوی) گفت: گفتم: مصحف فاطمه چیست؟ گفت: مصحفی است که سه برابر قرآن شما در آن هست و به خدا سوگند، حرفی از قرآن شما در آن نیست».

و همچنان در اصول کافی و دیگر کتابهای معتبر شیعه از زبان امام جعفر صادق آمده: «إن فاطمة مكثت بعد رسول الله (صلى الله عليه وآله) خمسة وسبعين يوماً، وكان دخلها حزن شديد على أبيها، وكان جبرائيل (عليه السلام) يأتيها فيحسن عزاءها على أبيها، ويطيب نفسها، ويخبرها عن أبيها ومكانه، ويخبرها بما يكون بعدها في نزلتها، وكان علي (عليه السلام) يكتب ذلك، فهذا مصحف فاطمة (عليها السلام)». «به یقین فاطمه علیها السلام بعد از پدرش تنها هفتاد و پنج روز در این جهان زندگی کرد و در طول آن مدت غمها و غصه‌های زیادی را تحمل نمود. جبرئیل در آن ایام به طور مرتب به حضور فاطمه علیها السلام نازل می‌شد و او را در عزای پدر تسلیت می‌گفت و از مقام و جایگاهش در آن سوی جهان با خبر می‌ساخت و همچنین از اوضاع آینده‌ی دنیا و سرنوشت بچه‌هایش آگاه می‌نمود و علی علیه السلام آنها را می‌نوشت و همه‌ی اینها مصحف فاطمه علیها السلام را تشکیل می‌داد».

2- چنانچه در اصول کافی آمده: «ابوبصیر می‌گوید: به امام محمد باقر (ع) عرض کردم: جانم فدایت! پس از رحلت جاندسوز فاطمه (س) آن مصحف به چه کسی انتقال گردید؟ فرمود: فاطمه (س) شخصاً آن را به امیرالمؤمنین (ع) تحویل داد و پس از شهادت علی (ع) به امام حسن (ع) منتقل گشت و پس از او به

صحیفه فاطمیه پیش اونهاست. صحیفه فاطمیه روزی میاید کتاب هدایت برای مردم می‌شود، خمینی در وصیت‌نامه می‌نویسد تا همه منتظر این کتاب باشند. حقیقت این است که شیعه‌ها راضی به قوانین دین اسلام نیستند.

از نظر آنها آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ این معنی را ندارد که دین کامل شده، آشکارا می‌گویند: این آیه به این معنی است که الیوم برای شما پیامبر جدیدی (تحت نام امام) بنام علی مقرر شده که حق آوردن دستورات جدید و کتاب آسمانی جدید (صحیفه فاطمیه و امثال آن) را دارد، و آنها در مهدی وجود یک پیامبر جدید را می‌بینند، آنها منتظر روزی هستند که افکار عمومی آماده شود تا قوانین جدید در کتاب جدید را به مرحله عمل در آورند. بی‌خود نیست که می‌گویند: امام زمان به هر چه که دلش خواست حکم می‌کند! و کسی حق ندارد سند از او بخواهد خودش سند است.

قرآن در زمان امام زمان در حقیقت حیثیتی به اندازه وسیله بازی کودکان دارد و بس!! این آرزوی اونهاست! آنها آرزوی خود را جرأت ندارند واضح بگویند اما از لب و لجه هم می‌توانیم به نیت آنها پی ببریم.

حالا بنظر شما کسیکه آرزو داشته باشد همه مساجد روی زمین خراب شود مسلمان است! ما و شما شاهدیم که مسجد مکه و مدینه آبادی حیرت‌آوری مطابق با نیازهای زمان پیدا کرده‌اند، حالا بنظر شما کسیکه این آبادی را خراب کند و دوباره حالت مسجد را برگرداند به 1400 سال پیش مسلمان است! آیا کسی که زن رسول الله را از حجاب (خاک) بیرون بکشد و در معرض چشم میلیونها نفر بزند! مسلمان

است. آیا کسیکه کینه ابوجهل و ابولهب را به دل ندارد اما تا بخواهی کینه یاران رسول الله را بدل دارد مسلمان است؟!

کسیکه به خاطر گناه برادران یوسف و گناه قابیل (به روایت صحیح شیعه) حضرت ابوبکر و عمر ب را به باد کتک می‌گیرد مسلمان است؟!

حتی کسیکه به خاطر گناه ابوجهل و ابولهب از ابوبکر انتقام می‌گیرد!!!! از دودمان رسول الله است؟!

کسیکه نام مسلمانی را دوست ندارد و ظهور که کرد او را با نام یهودی صدا کنند و آن نام را خوش می‌دارد، مسلمان است؟!

کسیکه به قرآن عمل نمی‌کند بلکه به تورات عمل می‌کند بمطابق قرآن حکم صادر نمی‌کند مطابق تورات حکم صادر می‌کند. مسلمان است؟!

اینها همه در روایات شیعه است. شیعه‌هاییکه امام زمانی با این عملکرد شوم را رهبر خود میدانند ، حق ندارند که ادعای مسلمانی کنند! با استناد به این روایات شیعه‌ها، روحانیون یهود براحتی می‌توانند ثابت کنند که مهدی موعود شیعه همان دجال است که یهودیان منتظر آمدنش هستند!

آیا کسیکه قرآن را عوض می‌کند و به بهانه اینکه تحریف شده قرآن جدیدی می‌آورد مسلمان است؟! کلا و حاشا که مسلمان باشد.

گفتار 4

عقیده به رجعت

بازگشت مردگان به دنیا!! این خیلی عجیب است! اما بودایی‌ها و بعضی دیگر از مذاهب بشری به آن اعتقاد دارند! بوداییان می‌گویند: انسان بعد از مرگ دوباره به دنیا باز می‌گردد و زندگی جدیدی را شروع می‌کند اگر بد کار باشد بصورت حیوان باز می‌گردد!

در بین مسلمانان هیچکس به بازگشت مرده به دنیا عقیده ندارد غیر از شیعه‌ها!

شیعه‌ها می‌گویند: امام زمان که بیاید بعضی از مومنان و منافقان را زنده می‌کند. گروه اول لذت زندگی تحت حکومت اسلامی را می‌چشند تا حسرت بدل نمائند و گروه دوم سزای اعمال خود را می‌بینند و بشدت شکنجه می‌شوند تا ادب شوند!!

اونها حتی می‌گویند: حضرت محمد ص دوباره زنده می‌شود و 50 سال هزار سال حکومت می‌کند بعدش علی 44000 سال پادشاهی می‌کند، بعدش امامان دیگر!! (بحار الأنوار، جلد 13، صفحه 1223، تالیف علامه محمد باقر مجلسی)

البته حسین τ چون مظلوم کشته شد شیعه‌ها حق تقدم در رجعت را برای ایشان قایل هستند. ایشان قبل از بقیه به دنیا بر می‌گردد، 309 سال حکمرانی می‌کند. و شیعه تلاش دارد که عقیده خود درباره رجعت را از قرآن ثابت کند و می‌گوید: این آیه دلیل بر صحیح بودن عقیده به رجعت است:

﴿وَمَنْ يَمُوتْ يَدْعُ إِلَىٰ خَلْقِهِ﴾ (النمل: 83)

«روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند محشور می‌کنیم؛ و آنها را نگه می‌داریم تا به یکدیگر ملحق شوند».

﴿مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ يُؤْتِكُمُ الْمَلَائِكَةُ حَصْبًا يَصْحَبُون﴾ [النمل: 84]
 ﴿مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ يُؤْتِكُمُ الْمَلَائِكَةُ حَصْبًا يَصْحَبُون﴾ [النمل: 84]

«تا زمانی که (به پای حساب) می‌آیند، (به آنان) می‌گوید: آیا آیات مرا تکذیب کردید و در صد تحقیق برنیامدید؟! شما چه اعمالی انجام می‌دادید؟!».

در تائیل این حدیث، عالم شیعی شیخ ابوجعفر صدوق (متوفای 381 هـ ق) در کتاب اعتقادات می‌گوید: «عقیده ما درباره رجعت آن است که آن را حق می‌دانیم». صدوق

به این آیات قرآنی نیز استدلال می‌کند: ﴿مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ يُؤْتِكُمُ الْمَلَائِكَةُ حَصْبًا يَصْحَبُون﴾ [النمل: 84] ﴿مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ يُؤْتِكُمُ الْمَلَائِكَةُ حَصْبًا يَصْحَبُون﴾ [النمل: 84]

قرآن درباره امکان و وقوع رجعت، بر همین اساس استوار است، چنانکه خواهیم آورد.

عالم شیعه شیخ ابوعبدالله مفید (متوفای 413 هـ ق) در جواب پرسش از مساله رجعت می‌گوید: «خداوند، پیش از روز رستاخیز، گروهی از این امت را باز


می‌گرداند و عقیده به رجعت یکی از ویژگیهای مذهب اهل بیت به شمار می‌رود.. خداوند از روز رستاخیز بزرگ خبر داده: همگی را بر می‌انگیزیم و هیچ کس را فروگذار

نمی‌کنیم (﴿مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ يُؤْتِكُمُ الْمَلَائِكَةُ حَصْبًا يَصْحَبُون﴾ [النمل: 84] ﴿مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ يُؤْتِكُمُ الْمَلَائِكَةُ حَصْبًا يَصْحَبُون﴾ [النمل: 84])

ولی درباره رجعت می‌گوید: از هر گروهی دسته‌ای را برمی‌انگیزیم (﴿مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ يُؤْتِكُمُ الْمَلَائِكَةُ حَصْبًا يَصْحَبُون﴾ [النمل: 84] ﴿مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ يُؤْتِكُمُ الْمَلَائِكَةُ حَصْبًا يَصْحَبُون﴾ [النمل: 84]). پس، چنانکه خداوند

اما در جواب می‌گوییم:

که خود آیه به ما می‌گوید که آیه در باره قیامت است، به این جمله در آیه توجه کنید:



 ﴿تَا زَمَانِي كِه (بِه پاي حساب) مي آيند، (بِه اَنان)


مي گويد: آيا آيات مرا تكذيب كرديد و در صدد تحقيق
 برنيامديد؟!

الله دارد خودش از آنها حساب مي گيرد و مي فرمايد:
 ﴿تَا زَمَانِي كِه (بِه پاي حساب) مي آيند، (بِه اَنان)

تاكذيب كرديد؟﴾

(آيات مرا) به كي بر مي گردد؟! به الله!
 پس يا بايد شيعة بگويد كه الله هم به دنيا رجعت
 مي كند يا بايد قبول كند كه آيه درباره قيامت است نه
 درباره اين عقيدة مسخره (باز گشت مرده به دنيا).

جواب دوم ما اين است كه در قيامت حشر و حساب و
 كتاب مردم يكسان نيست، گروهی محاکمه‌شان
 برجسته‌تر است. يعنى محاکمه خمينی و حسابی كه او
 بايد پس بدهد با محاکمه آن زن بيسواد در دوردست
 ابرقو يكسان نيست، لذا چون اولی برجسته‌تر است. لذا
 الله مي فرمايد:



 ﴿النمل: 83﴾

«به خاطر آور، روزی را كه ما از هر امتی، گروهی را از
 کسانی كه آيات ما را تكذيب مي كردند محشور مي كنيم؛
 و آنها را نگه مي داريم تا به يكدیگر ملحق شود».

و حشر اين دسته از مجرمان را برجسته‌تر مي كند
 نسبت به حشر عموم انسانها.
 دقت كنيد در آيه، مجرمان بازخواست و پرسیده
 مي شوند.

در دنیا که به گفته علی τ : عمل بلا حساب است و در آخرت حساب بدون عمل است! پس حساب در دنیا نیست.

بعد آیه از حشر مجرمان، سخن می‌گوید و از زنده شدن مومنان سخنی نمی‌گوید! در حالیکه در عقیده شیعه مومنان هم زنده می‌شوند. پس این آیه هیچ ربطی به اونها ندارد.

این آویزان شدن شیعه به استدلال‌های سست و بی‌پایه و دست‌آویز کردن آیات قرآن برای اثبات دروغ، خود بهترین دلیل بر باطل بودن این مذهب است!

آیه دومی که شیعه به آن چنگ می‌زند این آیه است:

﴿يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَجُلًا يَشهدُ بِهِنَّ وَأَنبِئُهمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٠٤﴾ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ ﴿١٠٥﴾﴾

[غافر: 11]

«آنها می‌گویند: پروردگارا! ما را دو بار میرانندی و دو بار زنده کردی؛ اکنون به گناهان خود معترفیم؛ آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ) وجود دارد؟»

شیعه می‌گوید: آیه صراحت دارد به اینکه آدمیان دوبار می‌میرند یکبار همین مرگ عادی، یک بار هم بعد از رجعت به دنیا در عهد امام زمان، و سپس بعد از این رجعت، برای بار دوم می‌میرند. پس این می‌شود دو تا، و این یعنی تایید عقیده شیعه در باره رجعت.

شیعه مثال می‌زند و می‌گوید: علی بعد از 30 سال امامت برای بار اول مرد.

و بعد از ظهور امام زمان می‌آید و 44000 سال سلطنت می‌کند، و بعد این برای بار دوم می‌میرد.

معنی آیه همین است، اگر این نیست پس چرا الله می‌گوید:

﴿يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَجُلًا يَشهدُ بِهِنَّ وَأَنبِئُهمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٠٤﴾ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ ﴿١٠٥﴾﴾

مرگ و دو زندگی.

و در شرح این آیه، شیعه می‌گوید: «خداوند از ستمکاران گزارش می‌دهد که در روز قیامت گویند: خداوند، دو بار ما را می‌راندی و دو بار ما را زنده گردانیدی»

گروه ستمکاران از دو مرگ و دو زندگی سخن می‌گویند: آنها در این جهان بوده، می‌میرند و در رجعت زنده شده سپس می‌میرند، و برای روز رستاخیز زنده می‌گردند... پس دو بار میرانده شده و دو بار زنده گردیده‌اند. ولی سنی‌ها در تفسیر آیه دچار اشکال گردیده‌اند، زیرا مرگ نخست را پیش از زندگی این جهان گفته‌اند، در صورتی که نبود پیش از بود را میراندن نمی‌گویند. در جواب عرض می‌کنم:

اما اگر ما این تفسیر شیعه‌ها را قبول کنیم باز اشکال حل نمی‌شود چون آیه از دو زندگی سخن می‌گوید، با ایمان به رجعت می‌شود سه زندگی. مثال علی τ را ببینید:

زندگی اول: وقتی در مکه متولد شدند.

زندگی دوم: وقتی امام زمان بیاید.

زندگی سوم: وقتی قیامت برپا شود.

پس این شد سه بار، و آیه می‌گوید: دوبار، پس برای درست آمدن آیه باید رجعت را حذف کنیم. پس خود آیه دلیل است بر باطل بودن رجعت.

اما ما درمان پی‌حیایی نمی‌دانیم که چیست!! بدون شرم و خجالت آیه را هر طور بخواهند معنی می‌کنند!! همیشه گفته‌ام: عقیده شیعه چون لحافی کوتاهست که بخواهی سر را بپوشانی پایت نمایان می‌شود، پا را بپوشانی سر و گردن هویدا میشود!

پس تفسیر آیه هر چی باشد یقیناً این نیست که شیعه می‌گوید و ربطی به رجعت ندارد چون لازمه رجعت سه بار زنده شدن است، و آیه از دو زندگی سخن می‌گوید نه سه.

شیعه علاوه بر این دو آیه، شواهدی دیگری را بر امکان رجعت، از قرآن ارائه می‌کند و به داستان گروهی که از دیار خود بیرون شدند تا به گمان خود، خود را از خطر مرگ (طاعون) رهایی دهند، اما فرمان مرگ آنان رسید، و سپس زنده گردیدند اشاره می‌کند. [البقرة: 243] و نیز به داستان مردن و زنده شدن عزیر اشارت دارد، که در آیه 259 همان سوره آمده است، و همچنین به زنده شدن قوم موسی ۷ پس از آنکه صاعقه آنان را فراگرفت [البقرة: 56] و اصحاب کهف که زنده شدند و سپس به جایگاه خود بازگشتند [الكهف: 18 تا 25] اشاره می‌کند.

پس از آن اضافه می‌کند: رجعت در امم سالفه نیز واقع گردیده و در این امت نیز واقع می‌گردد، چنانکه از پیغمبر اکرم ص روایت شده: هرآنچه در امت‌های گذشته انجام گرفته، در این امت نیز انجام می‌گیرد.

در جواب می‌گوییم:

این‌ها استدلال‌های پوچ و بیهوده‌اند و این حرف‌ها آدم را بیاد آن دختر آرژانتینی میاندازد که حامله شدن خود را به حامله شدن حضرت مریم تشبیه کرده بود. حیا که نباشد کار به اونجا هم می‌رسد. اینگونه قیاس‌های چندش‌آور را شیعه‌ها رها نمی‌کنند. اصحاب کهف تعداد شان از انگشتان دو دست کمتر بود مدت رجعت‌شان یک روز بود با این وجود سوره‌ای بنام اونها در قرآن داریم.

بنام مریم' هم سوره داریم حتی آه و ناله مریم را در وقت زایمان قرآن ثبت کرده زیرا واقعه مهم بوده. آن زن آرژانتینی به چه حقی خود را با حضرت مریم مقایسه می‌کند و مادر مهدی (طبق روایات شیعیان) به چه برهانی خود را با مریم مقایسه می‌کند و می‌گوید: بچه من در روز تولد حرف زد و آن رجعت‌کننده‌گان زمان مهدی به چه حقی خود را با اصحاب کهف مقایسه می‌کنند؟!؟!!

گفتیم عقیده به رجعت خاص شیعیان است، و مسلمانان دیگر از آن منکرند البته بودایی‌ها و بت‌پرستان به تناسخ عقیده دارند. تناسخ یعنی اینکه انسان بدکار بعد از مرگ خر یا سگ شود و امثال این .

داستان زیر را از کتب شیعه برایتان نقل می‌کنم تا بدانید که منظور شیعه‌ها از رجعت همان عقیده بودای‌ها به تناسخ است اما رویشان نشده آشکارا بگویند! این هم داستان:

«در فهرست نجاشی حکایتی از مومن الطاق آورده، که یکی از مخالفین به وی گفت: آیا به رجعت عقیده مندی؟ گفت: آری.

بدو گفت: پانصد دینار به من وام ده و در بازگشت، آن را بستان.

مومن الطاق گفت: ضامنی بیاور تا ضمانت کند تو در آن حال به صورت يك انسان بازگشت کنی، تا بتوانم وام خود را از تو بستانم. شاید به صورت بوزینه بازگشت کنی.»

شیعه می‌گویند: بعد امام زمان امامان پیشین و پیامبران میانند؟؟؟!!!

مذهب شیعه جمع بین اضداد است از یک طرف امام زمان را ذخیره آخرین، الله می‌دانند و از ترس اینکه مبادا این ذخیره آخری از بین برود او را بردند به پشت پرده غیب بردند به جایی غیر مادی، که دست هیچ بشری به او نمی‌رسد از طرف دیگر این حدیث را دارند.

مجلسی می‌نویسد: پس از ظهور امام زمان رجعت خاندان حضرت محمد آغاز می‌شود. «کراجکی» در کنز الفوائد از قول امام جعفر صادق نوشته است: نخستین شخصی که پس از ظهور امام زمان رجعت می‌کند «امام حسین» است. امام حسین با یک حرکت سریع و تشویش‌آمیز از قبر بر می‌خیزد و خاک سر و روی خود را تکان می‌دهد. پس از «امام حسین» پدرش «حضرت علی» و پس از او «حضرت محمد» از قبر بیرون می‌آیند.

امام محمد باقر گفته است که امام زمان مدت نوزده سال حکومت می‌کند. وظیفه امام زمان آنست که ریشه دشمنان خاندان حضرت محمد و حضرت علی را از ریشه بکند، عدل و انصاف را روی زمین برقرار کند. امام زمان پس از انجام این وظیفه سر انجام بدست یک زن ریشدار کشته می‌شود. پس از کشته شدن امام زمان «امام حسین» او را غسل می‌دهد و کفن می‌کند و به خاک می‌سپارد. آنگاه حکومت به «امام حسین» خواهد رسید و مدت سیصد و نه (309) سال به نام امام «منتصر» در جهان سلطنت می‌کند. پس از «امام حسین» نوبت به «حضرت علی» خواهد رسید و او مدت چهل و چهار هزار سال به نام امام «سفاح» سلطنت می‌کند. آنگاه «حضرت محمد» به سلطنت می‌رسد و او نیز مدت پنجاه هزار سال سلطنت در جهان خواهد کرد. (بحار الأنوار، جلد 13، صفحه 1223، تالیف علامه محمد باقر مجلسی)

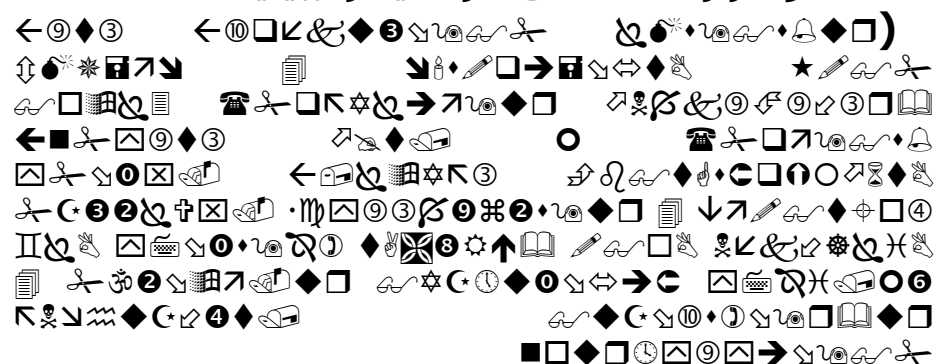
حالا ایراد های ما بر این حدیث :

اول بگویم که این حدیث را تصادفی انتخاب کردم هر حدیث دیگرشان هم همینطور و پر از اشکال است .

در این حدیث مجلسی می‌گوید :

«امام زمان مدت نوزده سال حکومت می‌کند. وظیفه امام زمان آنست که ریشه دشمنان خاندان حضرت محمد و حضرت علی را از ریشه بکند». پس یعنی یهود و نصارا را از بین می‌برد .

اما قرآن می‌گوید یهود و نصارا تا قیامت در زمین هستند و هر زمان نقشی دارند آیه را ببینید:



گمان کرده بود که حضرت محمد رجعت می‌کند و نمرده؟
(و وقتی ابوبکر نظرش را رد کرد فوراً تسلیم حق شد)
شما تا حالا عمر را برای یک اشتباه چند دقیقه‌ای
نبخشیدید در حالیکه خودتان معتقد به رجعت حضرت
محمد μ هستید؟!

شما نگاه کنید، قرآن هر صفحه از قیامت سخن
می‌گوید و از رجعت یادی نمی‌کند.

در حالیکه این حدیث جعلی می‌گوید: قبل از قیامت
رجعت است! نه که قرن‌ها که هزاران هزار سال ادامه
دارد. محمد μ 50000 سال، علی τ 44000 سال، حتماً
بقیه امام‌ها هم قرن‌ها حکومت می‌کنند، پس چرا این خبر
مهم را قرآن فراموش کرده؟؟؟!

بعد مگر امام زمان امام آخر نیست، پس چرا بعدش
دوباره رهبر الهی می‌آید؟؟؟!

واقعا عقاید شیعه‌ها ما را گیج می‌کند، می‌گیم: چرا
امام غایب است؟! می‌گویند: این ذخیره آخری بوده همه
امامان را مردم کشتند، آخری را الله پنهان کرده.

از اونطرف می‌بینیم مرگ برای اینها بازیچه است مرده
سر از خاک بر می‌دارد و دوباره پادشاه می‌شود در همین
دنیا!!!!

دیگر چرا امام زمان از مرگ می‌ترسید که غایب شده
؟! شما که رجعت دارید شما که استاد خیالبافی
هستید.

خب امام زمان مثل بقیه امامانتان می‌آید و می‌مرد؟ و
شما با رجعت دوباره زنده‌اش کنید!!! محمد μ را که دوباره
50000 سال سلطنت می‌دهید! علی τ را که دوباره
44000 سال سلطنت می‌دهید! امام زمان شما چرا
رجعت نمی‌کند چرا نگران مرگ او هستید و تازه مگر شما
نمی‌گویید در آخر زمان او را زن ریشداری می‌کشد پس
چرا از بنی عباس می‌ترسید و رفت و سرداب، و چرا از
خامنه‌ای می‌ترسد و نمی‌آید، خامنه‌ای که نمی‌تواند او را
بکشد خامنه‌ای که زن ریشدار نیست؟!

وآنگهی مگر شما نمی‌گویید مهدی مُرد حسین؟
جانشین او می‌شود؟ پس مردی که جانشینی چون
حسین دارد چرا نگران مردن است؟ اصلا با بودن حسین
او خجالت نمی‌کشد که حکمرانی می‌کند؟!
عجیب عقاید کج و معوجی!! و عجب قوم نادانی و
عجب و باز هم عجب و هزار بار عجب!!!
عقل شما به کجا سفر رفته؟!

اگر این مهدی خیالی نمی‌بود باید کل قرآن به او
اختصاص می‌افت، رجعت یک روزه اصحاب کهف، در قرآن
این همه انعکاس داشت، رجعت 50000 ساله حضرت
محمد و 44000 ساله حضرت علی و هزاران هزار ساله
امامان دیگر و دیگران هیچ انعکاسی در قرآن نداشت و
ندارد.

تازه یک کرشمه از کارهای مهدی زنده کردن مرده‌گان
است، او عصای موسی و دم عیسی و عمر نوح
وووووو... دارد. باز نمی‌دانم چرا الله او را نمی‌شناسد؟!
الله او را نمی‌شناسد چون مخلوق الله نیست و مخلوق
ذهن‌های بیمار است.

حالا شیعه داد می‌زند و می‌پرسد: مگر شما مهدی
ندارید.

داریم عیسی هم داریم، اما عیسای ما عیسای
مسیحی‌ها نیست، عیسای ما اله نیست، و مهدی هم
داریم اما مهدی ما بشر است عمری عادی دارد و اله
نیست.

گفتار 5

مجازات مرده دلیلی است بر عدم ایمان آنها به آخرت پدرم از معتقدان و مقلدان خمینی و یک شیعه پایبند به نماز و روزه و دیگر عبادات بود.

او تا زمانی که خمینی حاکم ایران نشده بود داستانهای عجیبی از کراماتش برای ما می‌گفت. اما به حکم اینکه آواز دهل شنیدن از دور خوش است. همینکه آواز دهل نزدیک شد و خمینی بر تخت پادشاهی تکیه زد و دستورات عجیب و غریب خود را صادر کرد آثار شک و تردید بر جبین پدر نیز آشکار شد!

اولین اعتراض‌ها را خطاب به تلویزیون و تصویر خمینی بروز داد با این جمله:

سید، اولاد پیامبر داری چیکار می‌کنی؟

و کم کم جری‌تر شد و متعجبانه از خود می‌پرسید:

(آقا چی میگه؟ آقا چرا دروغ میگه؟)

مدتی بعد به جای داستانهای کرامت خمینی، خبرهای را برای ما می‌گفت که از دوستانش در بازار تهران شنیده بود، (بازاریان بطور سنتی با ملایان روابط نزدیکی داشتند و از اخبار آنها با خبر بودند).

یک داستان این بود:

در زمان شاه یک پاسبان، خمینی را آزار داده و به او توهین کرده بود خمینی که از تبعید به تهران آمد، دستور داد که آن پاسبان را به پیش او بیاوردند، مامورین رفتند و برگشتند و گفتند: امام! آن پاسبان مرده.

پدر در شرح خود بر این ماجرا می‌گفت: سید، اولاد پیامبر چرا اینقدر کینه توز است؟!

پدر بیچاره من نمی‌دانست که امام زمانش که هر روزی دعای تعجیل برای آمدن او را می‌خواند از خمینی خیلی خیلی کینه‌توزتر است.

خمینی بر سر مرده پاسبان بلایی نیاورد هر چند که بدستور او «خلخالی» از مقبره رضا شاه مستراح درست کرد، اما از این حد جلوتر نرفت.

در حالیکه امام زمان بر سر قبر ابوبکر و عمر و عایشه می‌رود و آنها را از قبر بیرون می‌کشد و تازیانه می‌زند بعد می‌سوزاند و به آتش می‌کشد.

تصور کنید جسد زن پیامبر را از قبر بیرون بکشند در جلوی چشم همه... و باز پدر از کار خمینی متعجب بود و ظهور امام زمان را آرزو داشت!

در روایات شیعه آمده: امام زمان آنقدر آدم می‌کشد که مردم عادی می‌گویند این از آل رسول نیست! که اینقدر درنده است!

من می‌توانم قیافه مردم ساده لوح هم عصر امام زمان (بفرض محال در محال اگر ظهور کند) را مجسم کنم! چرا که نتوانم؟! آن قیافه‌ها حتماً چیزی شبیه به قیافه پدرم بعد از ظهور خمینی است! پدرم 15 سال آمدن خمینی را آرزو داشت هر روز صبح که قرآن بزرگ را باز می‌کرد تا تلاوت کند عکس یک مرد باریش جو گندمی را از لای آن بیرون می‌کشید و می‌بوسید. و گاهی هم مرا تشویق می‌کرد که ببوسم!

کینه‌توزی شیعه‌ها نسبت به مرده‌ها فقط اخلاق امام زمان آنها نیست هر وقت که قدرت را در دست گرفتند به مرده هم رحم نکردند زنده که جای خود دارد.

اصطلاح پدر سوخته را شنیده‌اید؟

این اصطلاح از زمان شاه اسماعیل صفوی رایج شد او قبرهای سنیان را می‌شکافت و استخوانها را آتش می‌زد. شاه اسماعیل صفوی در بغداد قبر بزرگان سنی را شکافت و دستور داد که سر قبرهای آدمهای مشهور سنی مستراح درست کنند و نامش را گذاشت «ریدگاه».

و حتی برای تشویق مردم، پول می‌داد که بروند آنجا قضای حاجت کنند! پس این فقط خمینی نیست که قبر رضا شاه را ریدگاه کرد این عادت قبل و بعد آنها است. حالا چرا شیعه چنین می‌کند؟ به باور ما به این خاطر است که اونها ایمان به قیامت ندارند، آنها چون ملحدین

هستند که ایمان به زندگی و عذاب قبر و بعد از قبر ندارند پس حد اکثر کارشان این است که از جسد مرده انتقام می‌گیرند.

همین بی ایمانی یا تردید به وجود روز قیامت است که باعث آنها به رجعت مردگان عقیده داشته باشند. آنها در باور به رجعت مردگان شبیه هستند به بودایی‌ها!! بودایی‌ها نیز به قیامت ایمان ندارند. ملحدین نیز یوم القیامه را منکرند.

در آغاز قرن بیستم ملحدین فتنه بزرگی در کره زمین درست کردند یک سوم این کره را تحت تصرف خود در آوردند.. و یکی از دولتهای آنها کشوری بنام اتحاد جماهیر شوروی بود.

در یک جمهوری از این کشور پهناور؛ یعنی جمهوری ترکمنستان؛ رئیس جمهور ملحدش، بخاطر افزایش دادن تولید پنبه مورد تقدیر رهبران مرکزی قرار گرفت و به او مدال و لقب قهرمان اتحاد جماهیر شوروی را اعطا کردند! اما او دروغ گفته بود، دروغ او وقتی آشکار شد که ماهواره اختراع شد وزارت کشاورزی شوروی از عکسهای ماهواره‌ای مدد گرفت و دید سطح زیر کشت محصول پنبه در ترکمنستان فلان قدر است. و حساب کرد که در بهترین حالت نیز محال است نصف مقدار گزارش شده تولید شده باشد!

اما حقیقت وقتی آشکار شد که رئیس قهرمان مرده بود. ملحدین چون به آخرت و عذاب قبر ایمان ندارند کاری از دستشان بر نیامد تا آتش دل خود را فرو بنشانند جز اینکه امام زمان وار رفتند و قبر آن رئیس جمهور دروغگو را شکافتند و استخوانهایش را به دور انداختند!

از ملحدین این عجیب نیست اما امام زمان دیگر چرا؟! مگر او نمی‌داند که از آتش قبر عذابی دردناک‌تر نداریم، پس چرا مرده را بیرون می‌کشد و شلاق می‌زند.

اگر بگویید: برای عبرت زنده‌ها می‌زند که جواب درست نیست.

اولاً: خود قبر بهترین عبرتگاه است.
دوماً: امام زمان در فکر هدایت مردم نیست. فرصت
توبه در دوره او تمام است، و کارش است کشتن و
کشتن (طبق روایات شیعه).
سوماً: برای این عبرتی درکار نیست که راویان شیعه
می‌گویند: جسد ابوبکر و عمر را که به درخت خشکی
آویزان می‌کند، آن درخت فوراً سبز می‌شود و مردم به
فتنه می‌افتند و ابوبکر و عمر را بر حق می‌دانند، و امام
زمان می‌افتد به جان آن مردم و آنها را هم می‌کشد؟
پس مسئله عبرت نیست پس یک دلیل ما بر بطلان
عقیده شیعه این است که آنها چون ملحدین هستند! و
به عذاب قبر و حشر اعتقاد درستی ندارند اگر می‌داشتند
حد اقل باید که به مرده‌ها دیگر کاری نمی‌داشتند!

گفتار 6

اعتقاد به مهدی شیعه، شرک است
 شیعه‌ها عقیده به زنده بودن مردی دارند که در سال
 255 هجری بدنی آمده (حالا سال 1430 است) شیعه
 می‌گوید: او زنده است و اضافه می‌نماید: اگر صد هزار
 سال بعد هم گفتیم امروز صد هزارمین سال روز تولد
 مبارک ایشان است! کسی حق ندارد بگوید: چرا؟ و باید
 قبول کند که این مرد می‌تواند صد هزار ساله شود و زنده
 بماند یا حتی یکصد میلیون ساله!
 می‌گویند: این درباره امام مهدی طبیعی است! که یک
 میلیون سال و بیشتر عمر کند.
 شیعه البته عقیده ندارد که امام زمان جاویدان است و
 مرگ ندارد چون اگر چنین بگوید این آیه راه او را سد
 می‌کند!



﴿مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ سَأَلَ اللَّهُ عَنْ فَخْرٍ كَثِيرٍ مِمَّا كَسَبَ﴾ [آل عمران: 185]

«هر کسی طعم مرگ را می‌چشد».

اما شیعه از این آیه انتقام می‌گیرد و می‌گوید: این
 درست است که آیه گفته هر انسانی طعم مرگ را می‌چشد
 اما، آیه وقت را معلوم نکرده و نگفته کی؟!
 پس ما هم می‌گوییم: مهدی می‌میرد اما کی و وقت و
 زمانش بدست ماست پس عمر امام زمان را کش
 می‌دهیم و تا یک میلیون سال و به معنی آیه می‌خندیم!
 و در عین حال منکر آیه هم نمی‌شویم.
 انتقام شیعه از آیه، به این فقط منحصر نمی‌شود.
 شیعه با عقیده به رجعت، کل آیه را به باد تمسخر
 می‌گیرد و می‌گوید:

بله، قبول داریم که هر انسانی می‌میرد. آیه را قبول
 داریم اما در همان حال عقیده داریم که بعد از مردن زنده
 می‌شود!!! و با این شگرد جالب هم متهم به انکار قرآن
 نمی‌شویم و هم آنچه که هوای نفس ما خواسته باشد

را می‌گوییم. و مهدی را بعد از مرگ تحت نام رجعت فوراً زنده می‌کنم.

عقاید شیعه، فقط درباره عمر مهدی، عجیب و غریب نیست آنها در هر چیز او حرف نویی دارند، او را حاضر و ناظر در هر جا و قادر بر هر کاری می‌دانند، واقعه زیر را بخوانید:

رییس جمهور ایران، آقای محمود احمدی نژاد عقیده دارد که مدیریت کشور با امام زمان است. او البته امام زمان را در سطح یک رییس جمهور نمی‌داند او گمان می‌کند که امام زمان همه جا حاضر است.

از هر چیز آگاهی دارد
بر هر کاری قادر است

در حال حاضر ترور او ممکن نیست.

رییس جمهوری اسلامی یعنی احمدی نژاد همزمان با شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل، در دانشگاه کلمبیای نیویورک نیز حاضر شد، اما با پیشگفتار تند آقای لی بالینجر، رییس دانشگاه، و همچنین واکنش‌های شدید عده‌ای از حاضران روبه رو شد. ببینیم جناب احمدی نژاد درباره آنروز چه می‌گوید!

او می‌گوید: مدیریت آن صحنه را امام زمان بر عهده داشته است: «یک لحظه بعد یاد امام عصر افتادم. گفتم: ای عزیز، من مطمئن هستم که این صحنه را به نفع اسلام جمع و جور می‌کنی و مدیریت خواهی کرد. می‌دانم جمع خواهی کرد».

ببینید مردی که در بالاترین مقام اجرایی کشور است در وقتی که با بحران روبرو می‌شود با امام زمان سخن می‌گوید و از او مدد می‌خواهد این کفر مطلق است نه شرک.

شرک صد درصد را خمینی مرتکب شد آنوقت که بعد از پیروزی انقلاب برای اولین بار به قم آمد و خطاب به قمی‌ها گفت:

خدا به شما نظر دارد، امام زمان بشما نظر دارد، این شرک صد درصد است.
اما گفته احمدی نژاد کفر مطلق است زیرا الله را بطور کلی رها کرده.

البته شیعه بر اساس سنت دیرینه خود خواهد گفت:
آیا کمک خواهی از دکتر شرک است؟
جواب ما این است که: نه، نیست اما معتقد بودن به الهی کنار الله البته شرک است و کمک خواهی از این اله و فراموش کردن الله کفر است.

شما که امام زمان را در حد یک دکتر نمی‌دانید.
از نظر شما او وزیر الله است.

و وزیر همیشه از جنس پادشاه است.
وزیر یک پادشاه زمینی از جنسی اوست.
وزیر الله را هم شما از جنس الله می‌دانید.
بیشتر بگوییم؟ پس بشنوید:

شیعه‌ها درباره مهدی عقیده دارند که
«**إنه علی کل شیء قدیر**» است.

«**ولا یعزب عنه مثقال ذرة**» از احوال شیعیان.
و هیچ چیز از احوال شیعه‌ها از نظر امام زمان مخفی
نمی‌ماند حتی اگر به اندازه ذره باشد

من عمداً سند نمیدم چون یک شیعه جرات ندارد
بگوید: این حرف را قبول ندارم یا بگوید: عقیده ندارم.

می‌گویند: مهدی زمانی کودک بوده ولی در همان
کودکی هم عالم کل بوده و بعد جوان شده و می‌گویند به
سن 40 سالگی که رسید دیگر پیرتر نشد همانطور 40
ساله باقی مانده و هزار سال هم بگذرد مرغ او یک پا
دارد و 40 ساله باقی می‌ماند و هرگز پیر نمی‌شود.

عقیده دارند که مهدی به راز و رمز امور آگاهست!
علیم بذات الصدور است اگر زیر لب سخن بگویی
می‌شنود اگر در دل بگویی می‌شنود عقیده دارند که او
همه زبانهای دنیا را می‌داند. حتی زبان حیوانات و
دیوانه‌ها را هم می‌فهمد.

عقیده دارند که گذشته و حال و آینده برای او یکی است، و همه چیز را در این سه زمان چون کف دست می‌بیند! و به همه امور آشکار و نهان (غیبی) آگاه است! دیروز لیوانی از دستم افتاد و شکست، شیعه می‌گوید: امام زمان می‌دانست که این لیوان در فلان تاریخ و در فلان جا از دست تو میافتد و می‌شکند اما اگر نمی‌شکست هم باز امام زمان مسیر آینده لیوان را می‌دانست که چه کسانی از آن آب می‌نوشند و این لیوان چه مدت دیگر سالم می‌ماند و چه حوادثی برایش رخ می‌دهد.... همه را امام زمان می‌داند.

این است امام زمان شیعه‌ها و این است قدرت بی پایان او ..

اما در همان حال، شیعه عقیده دارد که این امام همام و قدر قدرت و قوی شوکت! از ترس آقای متوکل عباسی به سردابی در سامرا پناه برد وهی می‌گوییم: حضرت امام!! متوکل مرد بلکه خلافت عباسیان تمام شد بلکه سلسله جلیله صفوی به حکومت رسید و نوکر شما شاه عباس اول که زیر نامه های حکومتی امضاء میکند کلب آستان علی، منتظر بیرون آمدن شماست! اما امام زمان ظهور نمی‌کند.

با آن همه قدرت، و با این همه هوادار بیرون تشریف نمی‌آورد، تو گویی اخبار نمی‌خواند! و نمی‌داند رییس جمهور فعلی ایران، احمدی نژاد، یک لقمه نان هم که بخورد تا نگوید امام زمان ادرکنی آنرا فرو نمی‌برد.

اما آیا اصلاً او نیازی به خواندن روزنامه دارد؟! او امام زمان است، و می‌داند که روزنامه‌های هفته بعد تیر اول و دوم و سوم و آخر آنها چیست، او نیازی ندارد که بخواند همه چیز را می‌داند!

حالا چرا تشریف نمی‌آورند؟ ای مرد قدرمند! چرا نمی‌آیی!

ما که سر سام گرفته‌ایم از این عقاید عجیب شیعه.....

آیا کسی جواب این سوال را می‌گوید؟!

گفتار 7

اگر شب را بگویند: روز، مردم قبول می‌کنند
وقتی قومی عقل را چراغ راه خود قرار ندهد مرعوب
می‌شود و هر خرافاتی را می‌پذیرد ما ایرانیان 500 سال
است که تبدیل شده‌ایم به قومی مسخ شده و عملکرد
خیلی بدی داریم.

شاه اسماعیل صفوی 500 سال پیش گفت: من ولی
الله و مرشد کاملم، به اعتراف منابع شیعه مردم برای او و
دیگران سجده می‌کردند.

خوردن گوشت مرده حرام است اما او بارها به
سربازانش دستور داد که گوشت اجساد دشمنانش را
بخورند، و آنها چون سگان می‌خوردند و استخوان پاک
شده را تف می‌کردند.

شاه عباس صفوی حتی دستور خوردن گوشت
زنده‌گان را داد! و دماغ و گوش و دیگر اعضای زنده‌ها را
پیروان این ولی (که نام خود را گذاشته بود سگ آستان
علی) با دندانهای تیز می‌کنند و همراه خون بیرون زده
تناول می‌نمودند!!

اگر کسی لحاف شما را بر سگی بپوشاند این را
توهین به خود می‌دانید. اما شاه اسماعیل صفوی عبای
پیامبر را پاره کرد و سگ مرده خود را در آن پیچید و دفن
کرد. سفیر عثمانی حاضر در دربار او که شاهد این ماجرا
بود، آه از نهانش بر آمد و از وزیرش سوال کرد که چرا؟
جواب شنید او مرشد کامل است. هر چه کند همان
درست است!

فردایش شاه دستور داد قزلباشان بر سر قبر سگ
عزاداری کنند مثل عزاداری برای امام حسین!
نگویید: این مال 500 سال پیش است، نه، امروز هم
ایرانیان همانطورند.

خمینی هم عصر ماست، او گفت: روزه گرفتن در ماه
رمضان حرام است! و مردم نیز قبول کردند!

جریان به این صورت بود که خمینی فتوا داد تهران بلاد کبیره است! یعنی هر تهرانی که از محله‌ای به محله دیگر برود مسافر به حساب میاید! و در مذهب تشیع روزه مسافر باطل و حرام است! نتیجه را دیگر خودتان دانستید.

من نیز چون اکثر تهرانی‌ها خانه‌ام در محله‌ای (فرح آباد ژاله) و محل کارم در محله دیگر (میر داماد) بود چون آنوقت من مدیر مکتبی و ظاهراً بر مذهب شیعه بودم جرات نکردم بگویم: مقلد خمینی نیستم فقط به دروغ می‌گفتم روزه ندارم! و اگر نمی‌خوردم به خاطر احترام ماه رمضان است.

بنازم قدرت خمینی را که چطور دستورش بالاتر شد از دستور قرآن و دستور پیامبر.

و تفسیر تحقیر آمیز بیاندازم بر سر خودم و بقیه مردمی که در ماه رمضان جرات نمی‌کردیم بگوئیم روزه هستیم! خب، حالا حرف منظورم چیست؟!

صحبت این است..... نایبان امام زمان (شاه سلطان حسین و شاه اسماعیل و خمینی) که چنین قدرت نامحدودی داشته باشند پس تعجبی ندارد که امام زمان خودش کن فیکون کند و می‌کند.

قرآن را عوض می‌کند! قرآن جدیدی می‌آورد به کتاب آل داود حکم می‌کند.

اصلاً هر چه دلش خواست حکم می‌کند مثلاً می‌گوید در رمضان روزه نگیرید در شوال بگیرید یا ازدواج با خواهر آزاد است! امام است روی حرفایش که نمی‌توانیم حرف بزنیم! در کتب شیعه آمده که او قرآن را عوض می‌کند قرآن جدیدی می‌آورد.

بر قوانین آل داود حکم می‌کند.

نام عبرانی دارد.

همه مساجد زمین را خراب می‌کند.

مسجد مدینه را هم خراب می‌کند.

مسجد مکه را هم خراب می‌کند و شکلش را عوض می‌کند!

دستورات جدیدی صادر می‌کند هر چه دلش بخواهد. یعنی اگر ازدواج با مادر را حلال کرد و رفتن به حج را حرام حق دارد که چنین کند!

دو سوم مردم کره زمین را می‌کشد! به زن مرده پیامبر هم رحم نمی‌کند جسدش را می‌آورد بیرون جلوی چشم همه شلاق می‌زند! دیگر خودتان حساب کنید که با اصحاب پیامبر چه می‌کند!

بر قوانین آل داود حکم می‌کند و نام عبرانی دارد باز می‌گویند: شراب نیست! شربت است!!! باز می‌گویند: دجال یهودی‌ها نیست قائم آل محمد است؟؟؟! هر فردی که این جرایم را مرتکب شود مرتد ملعون و واجب القتل است!

اما در مذهب شیعه چنین مردی را مقدس کرده‌اند. و کسی که منتظر چنین مردی باشد و آرزوی نابودی قرآن فعلی و مساجد کره زمین را داشته باشد مسلماً مسلمان نیست!

دیگر منتظران خود دانند و فردای قیامت! نه، او مهدی آل محمد نیست، او این نام را دزدیده، ما از عملش می‌دانیم که او این نام را دزدیده. حضرت مهدی همان خلیفه راشدی است که پیامبر خبر داده در آخر زمان حکومت می‌کند و ما او را دوست داریم.

گفتار 8

این همه هیا هو برای هیچ

حضرت محمد p آمدند و چهره جهان را عوض کردند
امروز در حوادث مهم جهان نیز تعلیمات حضرتش نقش
دارد وزیر خارجه فعلی آمریکا دارد قرآن را مطالعه می‌کند
تا نظرات دشمن خود را بشناسد!

مجله تایم لیستی از 100 چهره برتری که مهم‌ترین
نقش را در دگرگونی جهان داشتند را انتشار داد از نظر
این مجله در این فهرست، نفر اول حضرت محمد p، دوم
حضرت عیسی v، سوم کنفوسیوس چینی هستند.

نفر پنجاهم در این لیست، حضرت عمر بن خطاب
است، اما مهدی در این لیست جایی نداشت.

والله اگر ما لیستی از 1000 نفری که دنیا را تغییر دادند
درست کنیم باز مهدی در آن جایی ندارد اگر لیستی از
یک میلیون نفر بهترین‌های که که جهان را عوض کردند
داشته باشیم باز مهدی شانسی ندارد که در این لیست
خودی از خود نشان دهد!

در این جهان، بعضی‌ها نقش دراز مدت‌تری دارند،
اتاترک 90 سال پیش قوانین ضد دین را بر ترکیه حاکم کرد
اما تا هنوز تاثیر قوانینش بر زندگی مردم نمودار است!
خمینی قبر رضا شاه را ریدگاه کرد اما قانون تغییر لباس
از ایرانی به غربی که ارثیه رضاشاه است چهره ایران را
عوض کرد، و تاکنون تاثیرش باقیست.

ادیسون با اختراع برق زندگی بشر را دگرگون کرد، شاه
اسماعیل صفوی 500 سال پیش کاری کرد که آن کار
امروز اساس و پایه زندگی مرا تکان داد و لحظه‌ای مرا رها
نمی‌کند!

او با شیعه کردن ایران در سال 907 هجری باعث
هجرت من از ایران در سال 1403 هجری شد!
اهمیت انسانها به اندازه تاثیرگذاری آنهاست. حالا
می‌خواهد که این تاثیر خوب باشد یا بد!

در همین سرزمین هجرت - پاکستان -، نواز شریف نامی، چند سال نخست وزیر شد و دستور داد که روز تعطیل هفته به جای جمعه، یکشنبه باشد او رفت اما دستورش ماند و حالا هر جمعه و یکشنبه من تاثیر نامطبوع این دستور را در زندگی خود می بینم.

اما امام زمان با این همه هیاهوی که برایش براه انداخته اند تاثیر و نقش در خیر و شر بشر ندارد مردم قرنها داد می زنند مهدی بیا مهدی بیا. و فقط 15 شعبان مصرف برق زیاد این شاید تنها تاثیر باشد! در 1200 سال گذشته، هیچ تاثیری از مهدی ندیدیم! و در حال نیز کاری به کار دنیا ندارد.

و در آینده نیز همان کاری را می کند که در گذشته و حال کرده، فقط فقط فقط 7 یا 19 یا 40 سال پا بر عرصه وجود می گزارد، البته در این سالها بروایات شیعه تغییرات شگرفی میاورد اما همینکه این سالها تمام شد زن ریش داری او را می کشد و باز او و تعلیماتش برای همیشه از صحنه محو می شوند! حتی نمی تواند همانقدر تاثیر بر آیندگان داشته باشد که شاه اسماعیل بر زندگی من داشت!

عمر رضی الله عنه 12 سال خلافت کرد و در عرض این مدت کوتاه جهان را تکان داد اما تاثیرش در آینده و بعد وفاتش بیشتر بود و تا امروز کارهای عمر بر جریانهای جهان تاثیر دارد و به اعتراف شیعه وقتی مهدی بیاید. محو کردن آثار کارهای عمر نیز مدتی از وقت کوتاه امامت او را می گیرد!

در مقایسه مهدی فقط فقط 19 یا 7 سال بر جهان تاثیر دارد و تازه این سالهای کوتاه کارش چیست؟ کشت و کشتار و خراب کردن بیوت الله! و آزار دادن زنده ها بلکه حتی مرده ها!!!

شاید تعجب کنید که چرا می گویم مهدی تاثیری بر مردم بعد از خود ندارد در حالیکه مثلا شاه اسماعیل صفوی داشته!

اما حیرت نکنید! مگر نشنیده اید که شیعه‌ها می‌گویند: الله حضرت علی را جانشین رسول الله کرد چون جهان نباید یک لحظه از رهبر الهی خالی باشد! مگر نشنیده‌اید که می‌گویند: اگر جهان یک روز بدون امام باشد ذوب و آب می‌شود و نابود می‌گردد. مگر نشنیده‌اید که گفته اند: الله 12 جانشین فقط برای پیامبر درست کرده اولی علی و آخری مهدی است؟ و مگر نشنیده‌اید که مهدی بعد از 7 یا 19 سال امامت بدست زن ریش داری کشته می‌شود.

خب، مهدی که کشته شد جهان هم ذوب و نابود می‌گردد جهان که نابود شد آینده و مردمی در آینده نیستند که تعلیمات مهدی بهره ببرند! پس هیاهوی شیعه‌ها فقط برای 7 سال ناقابل است. و مهدی شاید 7000 سال دیگر هم نیاید! پدران ما در 1000 سال پیش گمان می‌کردند امروز فرداست که مهدی ظهور کند.

نیاکان مادر 500 سال پیش نیز دچار این توهم بودند. امروز شما بروید در سایت‌ها ببینید از نوشته‌های شیعه‌ها، این احساس به شما دست می‌دهد که شاید همین جمعه مهدی ظهور کند اما اینها همه خیال است شاید که تا 7000 سال دیگر هم ظهور نکند، بلکه بطور قطع هرگز ظهور نمی‌کند و غایبی است که همیشه غایب باقی می‌ماند.

«این به این می‌ماند که ما زیر درختی بنشینیم که حالا میوه می‌دهد که حالا ثمر می‌دهد، پدران ما در این انتظار نسل بعد از نسل چشم به انتظار مردند! درختی که 7000 سال میوه نداد همان به همان یک دفعه آخری هم ندهد! اگر بدهد اینهمه سر و صدا ندارد، تخم دو زرده که نیست! نوشدار بعد از مرگ سهراب است باور ندارید بروید سر قبر پدرم از او بپرسید که در زیر بار ستم ستم‌گران، چشم انتظار مهدی مرد!

باز شک دارید از پدر بزرگان ما بپرسید که داد می‌زدند مهدی بیا مهدی بیا! اما نیامد که نیامد! شیعه می‌گوید: بعد از مهدی امامان دوباره می‌آیند. اما حتی با رجوع پیامبران و امامان باز همه این هیاهو برای هیچ است زیرا اگر حضرت محمد در 23 سال اول دنیا را تکان داد و اسلام را آورد در 50000 سال بعد از رجعت حتی یک نفر را هم هدایت نمی‌کند. چون شیعه می‌گوید بعد از ظهور امام زمان توبه قبول نمی‌شود و پشیمانی از گناه بیسود است. امام زمان شیعه‌ها جمله مشهوری دارد او می‌گوید: (من ناگهانی ظهور می‌کنم و وقتی آمدم توبه دیگر فایده ندارد و پشیمانی از گناه بیسود است یقین کنندگان بعد از ظهور دروغ‌گو هستند). یعنی کسیکه پیش از آمدن مهدی به او ایمان نداشته باشد، بعد از ظهور، یقین به حقانیت مهدی او را نه در دنیا و نه در آخرت نجات نمی‌دهد و ندامت و توبه هم بی‌فایده است. پس این مهدی برای گناه کاران و گمراهان وسیله هدایت نیست. و ایضا برای مومنان هم امام هدایت نیست چون آنها قبل از ظهور مهدی بدون راهنمایی‌های این امام زنده هدایت شده بودند. پس این چه امامی است که اول کار هزاران سال غایب بود و کسی را هدایت نکرد و حالا هم که آمده از مردم طلبکار است که چرا منتظر من شدید تا هدایت شوید!! اگر قرار بود خودمان راه را بیابیم اگر قرار بود امامان در گذشته باعث هدایت ما باشند پس این امام زنده به چه درد می‌خورد آخر؟ پس این کرامات و معجزات را برای چه می‌آورد که توبه و یقین و ندامت را قبول نمی‌کند؟! یقین دارم علمای شیعه وقتی داشتند این داستان را می‌ساختند در حالت عادی نبودند یا مست بودند یا

شیطان بر روح و اندیشه آنها سوار بود که نمی‌دانستند چه دارند می‌گویند.

تصور کنید حضرت محمد پ که در مکه ظهور کرد، اگر به روش مهدی عمل می‌کرد چه می‌شد؟! بله، چون بشارت به آمدن حضرت محمد پ هم در کتب پیشین بود.

اما مردم ایمان نداشتند و وقتی حضرت محمد پ آمد، توبه هم قبول شد یقین هم سود داشت. اگر چنین نمی‌بود که یک نفر هم زنده نمی‌ماند.

حالا مهدی می‌خواهد همه را بکشد!!

الله رحم کند اینها نیت خیلی بدی به اسلام دارند.

البته موفق نمی‌شوند ولی حتی داشتن نیت کشتن همه مسلمانان و فرصت توبه ندادن به آنها نیتی شوم و خطرناک است و خبر از کینه‌های عطش ناپذیر درون اینها می‌دهد.

پس آمدن مهدی فایده‌ای برای بشریت ندارد و این همه هیاهو برای هیچ است.

گفتار 9

داستان امام زمان ساخته و پرداخته کیست
امام زمان بشکلی که امروز ایرانیان قبولش دارند
ساخته خیالبافی و دروغ‌پردازی افرادی چون محمد باقر
مجلسی است.

بیاید محمد باقر مجلسی را بشناسیم، شناخت او
کمک می‌کند به شناخت امام زمان.

او یکی از سرچشمه‌های مهم اخبار امام زمان در نزد
شیعیان است، محمد باقر مجلسی 300 سال پیش
مرده!!

او حق ندارد که منبع احادیث دین باشد زیرا بین او و
تاریخ ظهور اسلام 1100 فاصله زمانی است.

او برای توجیه دروغ‌هایش مدعی شده که احادیث را از
کتب مختلفی که نابود شده اند، جمع‌آوری کرده با این
حرف او چون روباه دم خود را شاهد می‌آورد زیرا اون کتابها
خودشان معتبر و مشهور نیستند و تازه از کجا معلوم که
از اون کتابها نقل قول کرده باشد وقتی که خود کتاب در
دسترس نیست.

و اگر در دسترس است چرا شیعیان به کتاب اصلی
حواله نمی‌دهند و همه جا سندشان بحار الانوار
مجلسی است، بحار الانواری که نویسنده‌اش سه قرن
پیش مرده (اسلام 15 قرن سابقه در تاریخ دارد).

کتاب بحار الانوار 110 جلد دارد و هر تک جلدش قطورتر
است از بخاری یا مسلم!!!

شما از وزن کتاب می‌توانید میزان دقت این نویسنده را
در نوشتن دریابید.

آخر سند مجلسی برای حدیثهای این کتاب 110 جلدی
چیست؟ بین او و حضرت محمد که 1100 سال و بیشتر
سال فاصله است، او از کجا این رازها را کشف کرده؟!

مثلا حدیثی نقل می‌کند و می‌گوید: این را در کتاب
کراچکی دیدم، این کراچکی کیه؟ چرا کسی
نمی‌شناسدش؟

اگر قرار باشد کراچکی مهمتر از مجلسی باشد پس چرا شیعه حواله می‌دهد به کتاب مجلسی؟ این کتاب کراچکی کجاست؟ و دیگر چی در آن نوشته و با کدام سند و در چه قرنی؟!

خلاصه اینکه شیعه‌ها دین خود را از افرادی مثل محمد باقر مجلسی گرفتند، و این مرد شوم وزیر شاه سلطان حسین بوده.

یک وزیر چقدر وقت دارد که کتاب بنویسد؟ آنهم کتاب 110 جلدی آنهم درباره احادیث دست اول از پیامبر p. شاه سلطان حسین مردی عیاش و خوشگزران بوده 5000 زن داشته.

او حتی زنهای مردم را بزور صیغه می‌کرده. خب، چنین مردی، وزیرش هم حتما مثل خودش است و حتما مثل او زن باره بوده، مجلسی وزیر اول و همه کاره شاه سلطان حسین بوده و عزل هم نشده تا آخر وزیر بوده.

و این مجلسی امام زمان امروزی را برای شیعه‌ها ساخته و پرداخته، و شیعه‌ها براحتی باور کرده‌اند. مجلسی عقیده داشت حکومت صفوی از بین نمی‌رود و به امام زمان تحویل داده می‌شود اما دیدیم از بین رفت و به افغانها تحویل داده شد.

گفتار 10

لقمه را دور سر گرداندن

شیعه‌ها می‌گویند: امام زمان از ترس اینکه مبادا کشته شود غیب شد.

می‌گویند: ترس از این بود که کشته شود رفت تا هر وقت زمینه آماده شد برگردد.

ما یک معلم دینی در دوره شاه داشتیم که آخوند بود و اسمش بود آقای نقیبی، این آقای نقیبی هم در 40 سال پیش گمان می‌کرد امروز فرداست که امام زمان ظهور کند!

بگمانم حالا باید مرده باشد چون آنوقت‌ها تقریباً 45 ساله بود.

این آقای نقیبی یکروز خوشحال آمد سرکلاس و گفت: امروز در روزنامه‌ها نوشته بودند که ریچارد نیکسون رییس جمهور آمریکا گفته که ما در اداره جهان عاجز مانده‌ایم.

نقیبی می‌گفت: این یکی از نشانه‌های ظهور است که رهبران جهان از اداره جهان سرباز می‌زنند و شانه خالی می‌کنند.

طبعاً این یک خوش خیالی محض است، همین نیکسون به شهادت تاریخ دو دستی چسبیده بود به صندلی ریاست حتی که بوسایل غیر قانونی متوسل شد تا در سر تخت بماند و حادثه واتر گیت را آفرید که منجر به کنار رفتنش شد از ریاست جمهوری.

پس این محال است که زمینه برای ظهور مهدی به این صورت آماده شود.

و نقیبی و بقیه علمای شیعه حرف مفت می‌زده و می‌زنند.

و جالب این است که بروایت شیعه، وقتی مهدیشان ظهور کند کسی برایش گل نمیاورد و زیر پایش فرش قرمز نمی‌اندازند و او مجبور می‌شود تا راه خود را باشمشیر باز کند و در این راه از هر سه انسان دوتایش را می‌کشد.

خب، سوال این است کاری که امام زمان آخر مجبور به انجام آن است را چرا اول نکرده؟
چرا وقتی دشمنش شمشیر داشت، او ترسید و رفت پشت پرده غیب؟ اما وقتی که دشمنش بمب اتم و بمب صور اسرافیل را دارد برمی‌گردد و نفس کش می‌طلبد!!!
شیعه برای این ایراد جوابی ندارد، پس جواب را خودم می‌گویم:

علت فرار مهدی از ترس شمشیر، فقط اینست که سازندگان مهدی، در عالم واقعیت، قدرت مقابله با خلیفه عباسی را نداشتند. و اما علت برگشتنش در عصر بمب اتم و هواپیما این است که رویا پردازی و خیالبافی تابع هیچ قانون یا مرزی نیست.
اینها همه خیالبافی است.

اگر مهدی از ترس کشته شدن غیب شده باشد یا اگر بخاطر اینکه مردم آمادگی برای ظهورش نداشته غیب شده آنوقت شیعه‌ها چه جواب به این ایرادهای من دارند! خطر و ترس از کشته شدن همیشه است. بلکه با اختراع بمب اتم بیشتر شده و کمتر نشده، و زمینه هم هرگز آماده نمی‌شود و این خیال خام است اگر کسی گمان کند که مردم خودشان می‌آیند و به مهدی می‌گویند که ما نمی‌توانیم جهان را اداره کنیم. بفرمایید شما زمام رهبری را در دست بگیرید! پس بسیار هالو تشریف دارد چنین گمان کننده‌ای.

مهدی خودش این را می‌داند! که اگر هزاران سال دیگرهم صبر کند! کسی برایش دعوت نامه نمی‌فرستد و باز باید آخر راه خود را با جنگ بکشد! برای همین هم هست که دو سوم بشر را می‌کشد! و در کتاب کینگز نام خود را بعنوان بزرگترین کشنده در تاریخ ثبت می‌کند!

پس وقتی آخر کار مثل اول کار است! پس چرا همان اول کاری را که می‌خواهد آخر بکند، نکرد؟؟ آیا شمشیر عباسیان بیشتر ترسناک است یا بم اتم؟

این سوالی است که شیعه جوابی ندارد اما برای ماست مالی قضیه می‌گوید: اصلاً در غیبت امام حکمتی است که فقط الله از آن با خبر است! در جواب می‌گوییم که از آن حکمت، من هم با خبر هستم! راز قضیه این است که تعزیه گردانان خیمه شب بازی امام زمان هرگز نتوانستند فرصت مناسبی بیابند تا انقلاب دلخواه خود را بکنند (انقلاب دلخواه آنها ویران کردن مدینه و مکه و باطل کردن قرآن و آوردن دین جدید است).

پس تا امروز موعود! ... یعنی تا روز آماده شدن محیط برای آنها، مهدی را در غیبت نگه می‌دارند! و موقع را که مناسب دیدند یکی از خودشان بنام مهدی خواهد آمد. و یکی دیگر از علل ساختن مهدی و غیب کردن او توسط روحانیان شیعه، این است که آخوندهای شیعه می‌خواهند از این طریق خمس و درآمد آن را ببلعند بنام امام زمان می‌گیرند می‌دهند به آقازاده که تشریف ببرد به «ونیز» در ایتالیا.

و نیز اگر مهدی ساخته نمی‌شد و غیب نمی‌شد فلسفه مذهب دوازده امامی اصلاً باطل می‌گشت، چون اساس مذهب شیعه اثناعشری این است که باید امامی همیشه در میان مردم باشد و بر مردم حکومت کند این همه امام از کجا می‌آوردند پس مجبور شدند عمر یکی را دراز کنند.

و دیگر اینکه، اگر امام زمان واقعا هم ظهور کند خود خامنه‌ای و احمدی نژاد از اولین کسانی خواهند بود که با او اعلان جنگ کنند چون او می‌آید قدرت را از دست شان می‌گیرد...

پس بطور قطع باید بگوییم که امامی زمانی وجود نداشته و ندارد و هرگز شیعه ظهور آن را اعلان نمی‌کند چون فایده شان در همین غیب بودن او است نه در آمدنش.

این ها حکمت اصلی غیب شدن مهدی است. و خطر و ترس و آمادگی نداشتن مردم بهانه است! اما چون آنها رویشان نمی شود حکمت اصلی را بگویند لذا با فلسفه بافی موضوع را منحرف می کنند و وقتی با دلیل جلویشان بایستیم در آخر می گویند: غیب امام حکمتی مجهول دارد که راز آن را فقط الله می داند! و نشان دادیم آن حکمت مجهول چیست؟

کی نگهبان کیست؟؟؟!!!

آقای مشرف، رییس جمهور پیشین پاکستان، داستانی شبیه به امام زمان دارد.

پاکستان در اوج نارضایتی جهانی، بمب اتم را ساخت و بزور خودش وارد باشگاه اتمی جهان شد و اولین و تنها قدرت اسلامی است که بمب اتم دارد.

و پاکستان تنها کشوری بود که حکومت طالبان را برسمیت می شناخت وقتی آمریکا قصد حمله به افغانستان را نمود، پاکستان ناگهان 180 درجه تغییر جهت داد و در صف متحدان آمریکا قرار گرفت، و شروع کرد به دستگیری طالبان حتی سفیر افغانستان در اسلام آباد را دستگیر کرد و تحویل آمریکایی ها داد.

روزنامه ها شروع کردند به اعتراض که سبب این سیاست چیست؟!

رییس جمهور مشرف گفت: اگر ما با آمریکایی ها همکاری نمی کردیم پاکستان مورد حمله قرار می گرفت و تمام تاسیسات اتمی ما نابود می شد.

یک روزنامه نگار، جواب جالبی به او داده بود، گفته بود: آقای رییس جمهور، آیا شما بمب اتم ساخته اید تا شما را حفاظت کند؟ یا بمب اتم ساخته اید که شما آنرا حفاظت کنید؟

همین مثال شیعه است.

شیعه از ما می خواهد به مردی غیر عادی ایمان بیاوریم ما نمی توانیم به مهدی ایمان بیاوریم در همان

حال او را بشر هم بدانیم بشر باید خصوصیات بشری را داشته باشد.

بشر مراحل رشد دارد، در مرحله‌ای از زندگی حرف نمی‌زند و او از همان کودکی می‌زند.

بشر باید در رحم پرورش یابد تا بشر شود او در ران پرورش یافته، و از ران به دنیا آمده، ران چه ربطی دارد به شکم؟

بشر باید زود حرف نزند او در یک روزه بود حرف می‌زد و شاید هم راه می‌رفت.

بشر باید علم بیاموزد تا عالم شود ولی او به همه علوم گذشته و حال و آینده آگاه است، او در شکم مادر عالم شده.

بشر وقتی علم بیاموزد از آن استفاده می‌کند مثلاً هواپیمای جنگی می‌سازد و دمار از دشمنانش در می‌آورد. اما امام زمان از علمش کوچکترین استفاده‌ای نمی‌کند بلکه علمش وبال جاننش شده دایماً در مخفیگاه است تا مباد که کشته شود.

رییس جمهور پاکستان باز بهانه داشت می‌توانست بگوید: بمب اتم ما در مراحل ابتدایی است، و ما توان مبارزه همه جانبه را نداریم.

اما امام زمان بهانه‌اش چیست که با این همه علم از یک خلیفه عباسی ترسید و رفت به سرداب؟!

گفتار 11

من آنم که رستم یلی بود در سیستان
 معمولاً برای اثبات خبری غیر عادی در تاریخ سعی
 می‌کنیم از زمان حال برایش شاهی زنده بیاوریم.
 پدرم می‌گفت: همیشه برایم سخت بود که باور کنم
 مامون، امام رضا را زهر بدهد و بکشد و باز در همان حال
 برای صحنه‌سازی پای برهنه و سر برهنه دنبال جنازه
 امام بدود! تا اینکه دیدم هیتلر ژنرال رومل را بخاطر
 شکست در آفریقا، وا دار به خودکشی کرد و بعد دنبال
 جسد او عزادار و غمگین می‌رفت.
 منظور این است که این راه طبیعی اثبات رخداد های
 تاریخی است و بر عکس آن نامعقول است! اما شیعه بر
 عکس عمل می‌کند.
 آیا زنی بگوید که بدون تماس با مردی حامله شده‌ام و
 حضرت مریم را شاهد بیاورد! باور کردنی است؟!
 یا مردی بگوید: بر من وحی می‌شود و از ما می‌خواهد
 به این دلیل ادعایش قبول کنیم که بر حضرت محمد μ
 وحی نازل می‌شده.
 آیا باید از او این ادعا را بپذیریم!
 نه! نوزاد حضرت مریم برای اثبات غیر عادی بودن خود
 در گهواره سخن گفت و حضرت محمد μ برای اثبات نبوت
 خود قرآن را آورد!
 اما مهدی باوجودیکه زنده و حی و حاضر است. برای
 اثبات وجود خود هیچ اثباتی ندارد جز شاهد آوری از وقایع
 تاریخی.
 می‌گوییم: این عمر طولانی نا معقول است. می‌گویند:
 شاهد ما نوح است.
 می‌گوییم: سخن‌گویی نوزاد در گهواره غیر عادی
 است. می‌گویند: شاهد ما عیسی است.
 می‌گوییم: شدنی نیست که مهدی سنگی داشته
 باشد که از آن شیر و غسل بیرون بیاید یا عصای سحر
 آمیز داشته باشد. می‌گویند: شاهد ما موسی است.

می‌گوییم: ناممکن است که انسان در رحم مادر به جای 9 ماه یکروزه بزرگ شود و از راه ران به دنیا بیاید. می‌گویند: شاهد ما حاملگی غیر عادی مریم است. خلاصه اینکه آنها یک مرد را صاحب همه کمالات کرده‌اند. انگشتر سلیمان را هم در دستش کرده‌اند. می‌گوییم: کو؟ می‌گویند: غایب است. می‌گوییم: پس به کدام دلیل ادعای شما را بپذیریم؟ می‌گویند: به دلیل اینکه رستم یلی بود در سیستان. اما سخن این است که ما برای رستم ارزشی مذهبی قایل نیستیم چون او در کتب دینی ما جایی ندارد. ولی این مرد که صاحب این همه کمالات است. (این مهدی که حتی بیشتر از انبیاء معجزه دارد عیسی یک مرده را زنده کرد این هزاران بلکه میلیونها را زنده می‌کند) سخنم این است این مرد با این همه عجایب و غرایب چرا پیش الله به اندازه ذکر صریح در حداقل یک آیه هم ارزش نداشته است؟!

نوح ۷ به گفته شیعه اینقدر مقامش در مقایسه با امامان کوچک بوده که در دوران حیات خود برای کسب افتخار رفته کوفه و قبری برای حضرت علی حفر کرده تا افتخار لقب گور کن قبر علی مال او باشد!!! همین حضرت نوح ۷ فقط دو کار غیر عادی دارد یکی توفان و سیل و یکی عمر طولانی. اما داستان او در جای جای قرآن مکرر آمده، حتی یک سوره قرآن بنام اوست! با این وجود از مهدی هیچی نداریم - با آن مقام - حتی یک آیه نداریم. قرآن از زن و پسر نوح هم با ذکر جزئیات سخن گفته، اما مادر و پدر و حتی از برادر مهدی که نقشی چون پسر و زن نوح داشته هیچ یادی نمی‌کند! از یاران نوح سخن گفته، و از قومش.

اما از نایبان چهارگانه مهدی و یارانش حرف نمی‌زند!

چه انتظار بی‌جایی! جایی که از خود مهدی یادی نمی‌شود خنده‌دار است که می‌خواهیم نام مادرش را به ما بگوید!

این ضرب‌المثل در باره مهدی شیعه‌ها مصداق دارد :
انسان بی‌عمل به چه ماند؟
به زنبور بی‌عسل.

اگر نوح 950 سال در قوم خود بود شب‌روز و آشکار و نهان به کار دعوت و هدایت مردم مشغول بود!
اما امام زمان شب و روز در حال استراحت است.
مقایسه او با نوح ۷، ظلم و ستم به نوح است.
اگر عیسی ۷ در گهواره سخن گفت! برای نجات مادرش از تهمت زنا بود اما سخن‌گویی مهدی در گهواره آن هم در پنهان امر بیهوده‌ای بود چون کسی به مادر مهدی تهمت نزد «از کجا تهمت بزند که کودکی در کار نبود».

مادر مهدی آنقدر گمنام بود که حتی خود شیعه‌ها هم او را به درستی نمی‌شناسد اگر می‌شناختند پس چرا در احادیث شیعه او نام‌های مختلفی دارد؟!

مثلاً یکی می‌گوید: اسمش سوسن بوده، دیگری می‌گوید: نرگس است، سومی می‌گوید: کنیز است، چهارمی می‌گوید: آزاد است، پنجمی می‌گوید: دختر پادشاه روم است. دیگری می‌گوید: دختر یک عرب است، هفتمی می‌گوید: نه نه اسمش مریم بوده، در روایت دیگر یکی می‌گوید: نه نه بلکه اسمش ملیکه است، دیگری می‌گوید: ریحانه است، آخری می‌گوید: خمط بوده، بعضی جاها می‌گویند: اسمش حکیمه است، و عده‌ای دیگر یقه میدرند که قسم می‌خوریم نام مادر مهدی، صیقل خانم است.

و من می‌گوییم: شیعه خجالت نمی‌کشد مادر عیسی فرزندی چون عیسی دنیا آورد آوازه و شهرتش شرق و غرب و جهان را پر کرد حتی قرآن ناله‌هایش را در وقت زایمان ثبت کرده است! و مادر مهدی کاری بزرگتر کرده

اما نام و نشان درستی از او باقی نیست. آیا این خود
دلیل بر دروغ بودن داستان نیست؟
و انگهی تولد مهدی دوره افول عباسیان بود اما تولد
موسی همزمان با اوج قدرت فرعونیان بود!
اما موسی همینکه عصا را پیدا کرد یک تنه و یک
راست رفت به قصر فرعون مقتدر جبار و ستمکار.
اما مهدی با آنکه عصای موسی و دم عیسی را یکجا
پیدا کرد اما عوض آنکه برود به قصر بغداد و رودروی خلیفه
بی قدرت بایستد یگراست رفت به سرداب سامرا!!
پس فرق عصای او با عصای من در چیست؟

گفتار 12

آیا موعود شیعه همان مهدی موعود یهود است
 امام زمان شیعه‌ها و نجات‌دهنده یهودیان شباهت
 عجیبی به یک دیگر دارند تا حالا شیعه‌ها افتخار می‌کردند
 که همه اقوام عالم منتظر نجات‌دهنده‌ای هستند ولی
 بنظرم یهودیان باید افتخار کنند، زیرا عملکرد نجات‌دهنده
 شیعه بیشتر همان آرمان تحقق نیافته یهودیان است! هر
 دو این نجات‌دهنده‌ها به یهودی و شیعی نام عبری
 دارند، به تورات حکم می‌کند و به سنت آل داود عمل
 کرده و اتفاقاً هر دو مرده‌ها را زنده می‌کنند و از آنها لشکر
 درست می‌کنند و هر دو مرده‌های مسلمانان را شکنجه
 می‌کنند با این فرق که یهودیان به زعم باطل خود حضرت
 محمد را نیز زنده و عذاب می‌کنند اما نجات‌دهنده
 شیعه‌ها به حضرت محمد کاری ندارد اما بقیة اصحاب و
 زنان پیامبر را از دم تیغ او می‌گذرانند. در جنگ‌ها هر دو
 امام زمان، تابوت حمل می‌کنند و دو سوم بشر را
 می‌کشند هر دو بیشتر عربها را می‌کشند خصوصاً
 قریشی‌ها و هاشمی‌ها را!

خلاصه قبول کردن عقاید شیعه در باب امام زمان یعنی
 پذیرفتن حقانیت گفته‌های علمای یهود و اثبات نظریه
 آنها.

البته یک فرق هست و آن اینکه امام زمان شیعه‌ها در
 روز مقدس مسلمانها یعنی جمعه ظهور می‌کند و امام
 زمان یهودی‌ها در روز مقدس یهود یعنی شنبه بیرون
 می‌آید.

یهودی‌ها هیچ روایتی ندارند که دال بر این باشد!
 مهدی آنها در روز جمعه ظهور می‌کند.

اما بر عکس، آخوند محقق معاصر شیعی (محمد نصر
 اصفهانی) عقیده دارد که احادیث مربوط ظهور در روز
 شنبه خیلی قویتر هستند از احادیث قیام در جمعه.

پس مجبوریم به علمای بزرگ یهود تبریک عرض کنیم چون روایات آنها در زمینه روز ظهور نیز شاهد از شیعه دارد!

در حدیثی که شیعه از امام صادق روایت کرده او اینطور گفته:

«اتق العرب فإن لهم خبر سوء إما أنه لا يخرج مع القائم منهم أحد».

«از عرب دوری کن که برایشان چه خبر بدی است با مهدی حتی یک عرب هم همراه نیست».

این بدبخت‌ها یادشان رفته که سهم امام را عربان می‌خورند. (سیدها) و خمینی یک عرب بود، خامنه‌ای یک عرب است، نود در صد آیت‌الله‌های آنها عرب هستند (سید هستند).

پس معلوم می‌شود که امام زمان چرا با وجود داشتن خمینی و شاه اسماعیل صفوی و سیستانی و غیره ظهور نمی‌کند.

جالب اینه که احادیث دیگر شیعه می‌گویند که مهدی عربان را می‌کشد.

خصوصاً قریشیان را، و این خمینی و خامنه‌ای و سیستانی، و خویی و حکیم و غیره همه عرب قریشی هستند.

قال أبو عبدالله: «ما بقى بيننا وبين العرب إلا الذبح».

امام شیعه‌ها گفته: «بین و ما و عرب دیگه حرف باقی نمانده جز اینکه اونها را سر ببریم».

در روایت دیگرشان آمده که قائم آل محمد 70 قبیله عرب را نابود می‌کند خصوصاً قبیله قریش را.

یکی از کارهای مهدی از بین بردن مساجد روی زمین است، این کار را هم حالا دارد شیعه می‌کند. در جا جای زمین اونها بجای مسجد حسینی و مهدیه می‌سازند.

در احادیثشان نیامده که حسینه را از بین می‌برد پس معلوم شد چرا مساجد را از بین می‌برند برای اینکه حسینه رونق بیابد.

گفتار 13

نشانه‌ای ظهور را از کتاب‌های ما گرفته‌اند
 بعضی از نشانه‌های قبل از ظهور مهدی شیعه را ما
 می‌بینیم که بوقوع پیوسته، آیا این دلیل حقانیت شیعه
 نیست؟

نه، نیست، این دلیل حقه‌بازی آنهاست.
 یک حقه‌بازی و ترفند علمای شیعه پیوند زدن شاخه
 باطل بر درخت حق است.

الحق که این ترفند گیج‌کننده، کاربرد دارد.
 اونها بر (علی) برحق، علیی که داماد پیامبر و صحابی
 بزرگ است یک (علی) باطل را چسپاندند و هر چه دلشان
 خواست گفتند.

اونها از دل یک حدیث ساده در باره مهدی آخر زمان اله
 بزرگی بنام قایم آل محمد را بیرون آورده‌اند.
 آنها پیشگویی‌های پیامبر درباره علامات شروع قیامت
 را چسپاندند به مهدی خودشان.

پیامبر ما در باره آینده و درباره نشانه‌های تدریجی
 قیامت فرمایشات متعددی دارند.

شیعه همه این نشانه‌ها را از کتاب ما دزدیده، اما
 تغییرش داده و همه را از نشانه‌ای ظهور مهدی دانسته
 یعنی حق را با باطل مخلوط کرده.

از آنجا که کتب ما قدیمی‌تر هستند از کتاب جدید
 التأسیس! بحار الأنوار و بقیه کتب آنها

بنابراین معلوم است که شیعه‌ها پیش بینی‌های
 درباره نزدیکی قیامت را از احادیث ما دزیده‌اند و عقاید
 باطل خود را بر آن پیوند زده‌اند

اما گاهی درخت پیوندی آنها آنقدر مضحک و اشتباه
 میشود میشود که از این اشتباه، مادر عزادار در غم مرگ
 نوزاد هم به خنده می‌افتد.

مثلا در کتب ما از 6 نشانه بزرگ قبل از قیامت سه
 تایش اینهاست:

خروج دابة الأرض.

بیرون آمدن آفتاب از مغرب.
آتشی از یمن که مردم را بسوی محشر سوق
می‌دهد.
شیعه این حدیث‌ها را از آثار و مقدمات آمدن مهدی
می‌داند و مثلاً می‌نویسد: قبل از ظهور مهدی آتشی از
یمن مردم را بسوی محشر سوق می‌دهد.
این نادانان وقتی این حدیث را از کتب ما می‌دزدیدند
یادشان رفت کمی تغییر دهند.
خب، وقتی آتش مردم را بسوی محشر می‌راند دیگر
کار تمام است و قیامت شروع شده، پس چرا این حدیث
را هم از نشانه‌های ظهور مهدی می‌دانید؟!
وقتی از روی دست ما کپی می‌کنید باید کمی اندیشه
کنید و مطابق دروغ، دیت را هم عوض کنید.
پس هر چه حق در نشانه‌های پیش از ظهور مهدی
دیدید فریب نخورید کتاب‌های سنی‌ها را بخوانید خواهید
دید که از جمله پیشگویی‌های پیامبرص است در باره
آینده، و ربطی به مهدی شیعه ندارد.

گفتار 14

می‌گویند: ظهور مهدی خیلی نزدیک است؟!
 اصلاً قرار نبود که مهدی 1139 سال (تاکنون) و بیشتر
 (در آینده) عمر کند. قرار بود که بعد از وفات امام یازدهم
 شیعه‌ها. گردانندگان پشت صحنه او را در وقت مناسب از
 مخفی‌گاه بیرون بکشند و بنام مهدی بر علیه عباسیان
 بشورند و حکومت علویان را درست کنند، آنها یک
 سازمان مخفی درست کردند! و یک نفرشان گفت: من
 نماینده امام زمانم اما خیال چیزی است و واقعیت چیز
 دیگری، او مُرد بدون آنکه کاری از پیش ببرد پس کار را به
 پسرش سپرد که تو نماینده امام زمان باش اما پسرش
 هم نتوانست لشکر لازم را برای سرنگونی عباسیان
 فراهم کند، نفر سومی را نایب کردند. او هم کاری از
 پیش نبرد نفر چهارم دید اوضاع خراب است، امام زمان 80
 ساله شده!! و نزدیک است بزودی بمیرد یا به مرض پیری
 دچار شود! لذا داستان جدیدی پدید آورد که او غیب
 شده! و شروع کردند به داستان‌سازی که وقتی ظهور
 می‌کند که نشانه‌ها به وقوع بپیوندد! بعضی از نشانه‌ها
 را از پیشگویی‌های حضرت محمد μ در باره آینده دزدیدند
 و چسپاندند به مهدی و بعضی‌ها دروغهای خودشان
 است! می‌گویند: آنوقت مهدی ظهور می‌کند که

پیش از او نفس زکیه بمیرد!

مردی از قم خروج کند.

یمانی خروج کند.

سفیانی خروج کند.

شیصانی کشته شود.

عبدالله نامی بمیرد.

مرد صالح فرمانده شود.

خراسانی خروج کند! و چیزهای دیگر از این دست که

همه اینها کلی گویی است.

عبدالله نام میلیونها نفر است، و درهر زمان بیشمار

عبدالله داریم حتی در زمانه ما، حد اقل دو پادشاه

نامشان عبدالله است، عبدالله اردنی و عبدالله سعودی! رییس جمهور یمن هم علی عبدالله صالح نام دارد و روایت شیعه‌ها را می‌توان به او نیز چسباند. اما فایده این کلی گویی این است که هر زمان می‌توانند مردم را سرگرم کنند!

یکی گفته بود: آمدن امام زمان نزدیک است چون مراد از

مرد یمانی حسن نصر الله است که اصلش از یمن است. و مرد خراسانی علی خامنه‌ای، خروج کننده از قم خمینی.

شیصبانی صدام یازرقاوی بود. نفس زکیه به عقیده اونها محمد باقر حکیم بود جل الخالق. عبدالله ای که قرار است بمیرد ملک عبدالله سعودی است.

و سفیانی قرار است در ارتش سوریه کودتا کند! و از این خزعلات!

این عادت تاریخی آنهاست، در کتاب رستم التواریخ که نویسنده‌اش آنرا درستایش آخر دوره صفویان نوشته! در احوالات شاه سلطان حسین آمده که آن پادشاه نامدار چون از وزیر خود محمد باقر مجلسی (همون عالم بزرگ شیعه که اکثر خرافات مهدی از او نقل شده در 110 جلد کتاب بحار الانوار) شنیده بود و مجلسی با روایات ثابت کرده بود که سلطنت صفویه متصل می‌شود به امام زمان، لذا خیال شاه سلطان حسین از بابت دشمنان راحت شده و به عیش و نوش مشغول گشته بود.

حالا پیشگویی مجلسی درست از آب در نیامده اما حیرت این است که از مقام او کاسته هم نشده که اضافه شده.

خمینی که آمد گفت: امام زمان را فرزندان یا نوه‌های ما می‌بینند نه فرزندان دیدند نه نوه‌هایش خواهند دید!

اما این خمینی را از اعتبار نمی‌اندازد، آیت الله بهجت (یک مرجع تقلید معروف در قم) از قول یک رفیقش که با امام زمان نشست و بر خاست دارد!! باصراحت نقل قول کرده که جوانها به کنار، جوان ها که سهل است، حتی پیرها هم امام زمان را خواهند دید!

50 سال بعد کسی به این قول آیت الله بهجت خرده نمی‌گیرد و شاید که مقامش بالاتر هم برود در چشم این مردم گمراه....

والله که شیعه قوم عجیبی است.

باور نمی‌کنید بروید بنشینید پای سخنرانی آیت الله العظمی بهجت آخرین خبر ؛ در وقت چاپ این کتاب ؛ اینکه آیت الله بهجت مرد و امام زمان را ندید و مرگش ، حرفش را تکذیب کرده است و مرگش یک بار دیگر افسانه مهدی شیعه را باطل کرد ، اما کو گوش شنوا؟

در کتب تاریخی خواندم سبزواری‌ها وقتی شیعه شدند هر روز یک خر را زین کرده شمشیر بر آن آویزان می‌نمودند و خر را در بیرون شهر پارک می‌کردند تا امام زمان بیاید بر سرش بشیند. فکر می‌کردند سبزواری شیعه شد دیگه امام زمان دلیل موجهی برای غیبت ندارد!

و تا مدت‌ها این رسم بود..... هوسرانها و شهرت‌خواهان گاهی بر خر امام زمان سوار می‌شدند و ادعا می‌کردند که امام زمانند!! آخر مردم بر تنگ آمده و گفتند: هر کس بر خر امام زمان سوار شود با همان شمشیرش گردنش را می‌زنیم، اگر بریده نشد امام زمان است! مدعیان دیدند این شوخی نیست!

در زمان ما هم هر کس ادعای امام زمانی کند بهترین راه اثبات درستی ادعای او را در این می‌دانند که او را به دار بکشند! دویست و اندی سال پیش سید کاظم رشتی گفت: از غیبت امام زمان که 1000 سال بگذرد او خواهد آمد، سال 1265 امام هزار و پنج ساله شد اما نیامد، باب الله نامی ادعای امام زمانی کرد شیعه‌ها برسم قدیم او را دار زدند تا ببینند می‌میرد یا نه! و مرد! و

فرقه بابیه و بهایی درست شد و از گله رمیده ایرانیان شیعه، عده‌ای هم طعمه و لقمه این فرقه‌ها شدند و از چاله افتادند به چاه، یا بهتر بگوییم: از چاهی افتادند به چاهی دیگر!

خلاصه شما در هر عصری که زندگی کنید این ندای شیعه را می‌شنوید! که ظهور مهدی نزدیک است! این شیره مالی بر سر شیعه از زمان نایبان خاص امام زمان شروع شده و تا آخر ادامه خواهد داشت. ای خوانندگانی که 200 یا 500 سال بعد کتاب زندگی میکنید

در زمان شما هم شیعه‌ها ادعا می‌کنند که عنقریب امام زمان میاید. مرا می‌خوانید آیا دروغ گفته بودم؟! دیدید که راست می‌گفتم!! پس دعای رحمتی برای من از الله بخواهید که اینک در قبر به آن محتاجم!